

اعتراضات دی ماه  
محصول به حاشیه رفتن  
طبقه متوسط است



صفحه ۶

نظام، اعتراض‌ها  
راهوشمندان  
مدیریت کرد



صفحه ۱۲

# بازخوانی پرونده ناآرامی‌های دی ماه ۹۶ افزایش ناامیدی، پایان دموکراسی



# عدم ثبات اجتماعی؛ تهدید دموکراسی

وقتی کار عظیم تد رابرت گر در کتاب ارزشمند «چرا انسان‌ها شورش می‌کنند» را می‌بینیم، بیشتر اهمیت ادراک از چرایی حرکت‌های ناآرامانه را احساس می‌کنیم.

ما به یک تحلیل میان‌رشته‌ای مشتعل بر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی و امنیت ملی نیاز داریم. شنیده‌ام که فرانسوی‌ها بعد از ماجرای ناآرامی‌های حاشیه پاریس که چند سال پیش، گر بیان این کشور را گرفت، از آن تئوری و گروهی از جامعه‌شناسان برای بررسی موضوع دعوت کردند. سوال این است که تا چه حد ما در ایران به این موضوع اهتمام ورزیده‌ایم و چند مقاله، کتاب و پایان‌نامه را به این موضوعات اختصاص داده‌ایم؟ آیا اساساً احساس خطر و تهدید کرده‌ایم؟ چرا ایرانی‌ها در دی ۹۶، ناآرام شدند؟

در این پرونده، سعی خواهیم کرد به سهم خود، بخشی از مسأله را مورد مطالعه قرار داده تا راهکارهایی برای حل مسائل مردم و ثبات اجتماعی به دست آید.

قصد داشتم تا در نخستین شماره از ویژه‌نامه‌های روزنامه توسعه ایرانی، توضیح دهم که نگاه ما به تحولات ایران امروز چگونه است و به اصطلاح، ما در چه نقطه‌ای ایستاده‌ایم و قصد عزیمت به چه مقصدی را داریم، ولی ترجیح می‌دهم این موضوع را به طور مبسوط در شماره بعدی ویژه‌نامه که به جنبش جلیقه‌زده‌ها در فرانسه اختصاص دارد، به رشته تحریر درآورم. از همه ایرانیان و آنانی که دل در گرو توسعه ایران دارند نیز می‌خواهم تا ما را از نظرات و دیدگاه‌های خود محروم نکنند، چرا که قصد داریم حوزه اندیشه را به کمک تحول ایران و ساخت ایرانی بثبات‌تر آوریم.

فراموش نکنیم که اگر ثبات اجتماعی نباشد، بزرگترین دستاورد انقلاب اسلامی یعنی همین دموکراسی موجود در منطقه استبدادزده خاورمیانه، از دست خواهد رفت.

## این پرونده باز است

مخالف منافع خویش یکی از پدیده‌های فراگیر تاریخ فارغ از زمان و مکان است و به قول تاکن، انسان ظاهرأ در حکومت بیش از هر رشته دیگر فعالیت بشری بی‌کفایتی نشان می‌دهد.

بررسی تاریخ ایران زمین و سیر تحولات و ناکامی‌های آن از منظر تصمیمات صاحبان قدرت امری ضروری است. در کنار مطالعات تاریخی، جامعه‌شناسی به مثابه یک علم باید بتواند پدیده‌های اجتماعی را تبیین کند. حتی این انتظار می‌رود که بتواند تحولات اجتماعی بعدی را نیز تا حدودی پیش‌بینی کند. باین حال مسائل و بحران‌های اجتماعی در عمل به مراتب پیچیده‌تر از آن است که بتوان صرفاً با گفتن چند اسم و تئوری آنها را صورت‌بندی کرد و توضیح داد.

وقتی چالشی شکل می‌گیرد، وقتی بحرانی به وقوع می‌پیوندد، بستن چشم‌ها و پاک کردن صورت مسئله خیانت است. دلسوزان کشور نباید پرونده‌ها را مختومه کنند، باید رسیدگی شود. باید هر کس از منظر خود و با مبانی معرفتی خود حوادث را تحلیل کند.

در دهکده جهانی بسیاری از بحران‌ها قابل سرایت است. بسیاری از تجربه‌ها قابل تکرار است. تحلیل کشور را به سمت عقلانیت بیشتر و سیاست‌گذاری موثر سوق خواهد داد.

«توسعه ایرانی» باور دارد که می‌توان از منظر رویکردهای اصلاح‌گرایانه و نگاه به مصلحت عمومی، مهم‌ترین چالش‌ها و بحران‌های ایران و نمونه‌های قابل مطالعه در جهان را بررسی کرد و امیدوار بود که بازنگه داشتن این پرونده‌ها به افزایش خودرزی در حکمرانی منتهی شود.

مدداز خاطر رندان طلب‌ای دل ورنه کار صعب است مبادا که خطایی بکنیم



علی ربیعی، رئیس شورای سیاست‌گذاری روزنامه توسعه ایرانی

حادثه دی ماه ۹۶ را حادثه‌ای بسیار مهم در آستانه چهل سالگی انقلاب اسلامی تلقی می‌کنم و معتقدم که تجربه‌ای کم‌نظیر از ناآرامی‌های اجتماعی در این ماه رخ داد که مشابه آن را در چهل سال گذشته تجربه نکرده بودیم و شباهت‌های چندانی از نظر حجم، اندازه، وسعت و جمعیت درگیر با ناآرامی‌های قبل نداشت.

معتقدم فهم مسائل دی ماه ۹۶ از جنبه‌های مختلف برای توسعه ایران امروز و فردا حائز اهمیت است. اگر سیاست‌گذاران، علت و آثار دی ۹۶ را درک نکنند، دچار بی‌برنامگی و بی‌سیاستی خواهند شد و این در حالی است که سنت مسائل اجتماعی بر تکرارپذیر بودن این‌گونه حوادث، تاکید دارد. همچنین، فهم غلط بسیار تلخ‌تر از عدم فهم مسائل اجتماعی است که متأسفانه در سنت سیاست‌گذاری ایرانی در قبال حوادث شش دهه اخیر، هر دو حالت قابل مشاهده است.

ثبات، مسأله اصلی کشورهای در حال گذار است. بسیاری از نظریه‌پردازان در چند دهه گذشته به دنبال توسعه همراه با ثبات اجتماعی بوده‌اند. ایران امروز علاوه بر مسأله ساختاری و داشتن صفت در حال گذار بودن با عامل خارجی تحریم هم‌رودوست و به اعتقاد من، این بر پیچیدگی امر و توجه به ریشه‌های دی ۹۶ می‌افزاید. تحقیق جامعه‌شناسان درباره نظم، اندیشمندان علوم سیاسی درباره ثبات و اقتصاددانان در زمینه توزیع ثروت و درآمد، از جمله تلاش‌هایی است که برای فهم مسائل هر جامعه‌ای که خواهد توسعه و ثبات را دنبال کند، الزامی است.



محمد گلزاری

«فرمانروایان ترویا به هر دلیلی که بگیریم می‌بایست بدگمان باشند که حقه‌ای در کار یونانیان است. پس چرا با وجود این، آن اسب مشکوک را به درون باروی خود کشیدند؟ چرا اوزیران جورج سوم یکی پس از دیگری به جای آشنی و دوستی با مهاجرنشین‌های آمریکا، آنها را زیر قهر و فشار گذاشتند؟ مگر مشاوران به کرات یادآور نشده بودند که لطمه وارده بی‌شک فزون بر هر سود محتمل است؟ چرا شارل دوازدهم و ناپلئون و پس از آنها هیتلر با وجود بلایی که بر سر پیشینیان هر کدام آمده بود باز به روسیه حمله بردند؟ چرا مونتزوما، سردار سپاهی شزه و تشنه کام و فرمانروای شهری سیصدهزار نفری، دست بسته تسلیم چند صد تن مهاجم بیگانه شد، حتی وقتی مهاجمان آشکارا نشان دادند انسانند نه خدا؟ چرا چیانگ کای به ندهای هشدار دهنده یا خواستار اصلاحات واقعی نهد تاز خواب که بر خاست کشور دیگر از دست رفته بود؟ چرا...»

باربارا تاکن در کتاب «سیر نابخردی، از ترویا تا ویتنام» با ذکر نمونه‌های مختلف از اشتباهات متعدد حکومت‌ها در گذر زمان سخن می‌گوید و به درستی نشان می‌دهد که بیشتر صاحبان قدرت در طول تاریخ، چشمان خود را روی حقایق ملموس و عینی بسته و لطمات جبران‌ناپذیری را بر کشور خود وارد ساختند. این اشتباهات تا امروز هم نتوانسته است برای تصمیم‌گیران سیاسی و اقتصادی درس عبرت شود. پیروی حکومت‌ها از سیاست‌های

## رسانه راه‌حل محور نیاز امروز کشور



مسعود حیدری، مدیر مسئول

۱- کمتر کسی است که امروز بر این باور نباشد که رسانه‌های رسمی اعم از صداوسیما، خبرگزاری‌ها، روزنامه‌ها و سایر سایت‌ها و نشریات قانونی، قافیه را به ابزار اطلاع‌رسانی موجود در فضای مجازی اعم از توییتر، تلگرام و سایر پیام‌رسان‌ها باخته‌اند. در کمال تأسف و با یک نگاه اجمالی هم می‌توان مشاهده کرد که فضای مجازی بیش از اینکه حامل اخبار و پیام‌های امیدبخش به جامعه ایرانی باشد، پمپ‌آیس، ناامیدی و باور به اینکه مسائل و مشکلات ایران راه‌حل ندارند را در دستور کار خود قرار داده‌اند.

۲- سرعت تحولات در ایران امروز، تعدد بازیگران عرصه سیاست و رقابت‌های جناحی به بهای تضعیف منافع ملی به قدری بالاست که هر هفته، چند اتفاق نسبتاً مهم در جامعه روی می‌دهد و هنوز موضوع قبلی مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است که اتفاق جدیدی روی می‌دهد و تمام توجهات را به خود معطوف می‌کند. این سرعت بالا باعث شده است که مسائل و مشکلات، بدون ریشه‌یابی و گره‌گشایی، به بیگانگی فرستاده شود و از این رو، مدام بر گره‌ها و معضلات حل نشده جامعه افزوده شود و این سوال در افکار عمومی شکل گیرد که آیا اساساً راه‌حلی برای بیشمار مشکلات فعلی جامعه وجود دارد؟

۳- نگاه توطئه‌انگازانه و کشف‌ردپای توطئه در هر تحولی، دم‌دستی‌ترین و آسان‌ترین راه برای تحلیل اتفاقات رخ داده به شمار می‌رود که متأسفانه نه فقط بخشی از مردم عادی، بلکه نخبگان کشور را نیز گرفتار خود کرده است؛ موضوعی که در فرهنگ ایرانی از آن به عنوان نگاه «دایی جان ناپلئون» نیز یاد می‌شود. توهم توطئه، چه داخلی و چه خارجی، نتیجه‌ای جز تقلیل مسائل و پیچیدگی‌های موضوعات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی به رفتار مشکوک یک دولت، گروه رقیب یا برخی سودجویان در پی نخواهد داشت. چنین تحلیلی را در بیشمار از موضوعات اساسی کشور از افزایش قیمت ارز و کاهش ارزش پول ملی گرفته تا اعتراضات و اعتصابات موجود در کشور می‌بینیم و می‌شنویم.

۴- در چنین اوضاعی، دلسوزان توسعه ایران و ایرانی به معنای اعم کلمه و رسانه به طور خاص، باید تلاش کند تا چنین فضایی را از بین ببرد. در روزنامه توسعه ایرانی اعتقاد داریم که به اندازه کافی، هشدارهای مشفقانه و دلسوزانه برای مسائل و معضلات کشور داده شده است و نیاز است تا با بررسی دقیق‌تر هر مسأله مبتلا به کشور، راه‌حلی برای آنها پیشنهاد شود. معتقدیم حل هر مسأله‌ای از بیشمار مسائل کشور، ولو موضوع جزئی و کوچک، بارق‌های امید در دل مردم ایجاد خواهد کرد، امیدی که بی‌شک نیاز اصلی و اساسی این روزهای ایران و ایرانی است.



## نامیدی عمومی زینده ایران و ایرانی نیست

این هشدار داده شده بود که عدم مشارکت معنادار محرومان در شهرهای بزرگ (شهرهای کوچک از این قاعده تبعیت نمی‌کنند) به مراتب خطرناک‌تر از عدم مشارکت طبقه متوسط است.

ه- یک پدیده جدید در این ناآرامی‌ها، بیان شعارهایی با مضامینی مثل «رضا شاه روح شاد»، «اصلاح طلب، اصولگرا، دیگه تمامه ماجرا» و... بود.

بنا به تحقیقی که دکتر قاضیان جامعه‌شناس با بررسی بیش از ۵۰۰ ویدئو از این ناآرامی‌ها انجام داده است، معتقدم که باید شعارها را تفکیک کنیم؛ شعار به مثابه خواسته عمومی و برآمده از خاستگاه ذهنی افراد یا شعارهای موردی که بازنمایی می‌شوند. اتفاقاً این تحقیق و بررسی‌های مشابه نشان داده است که شعار نه اصلاح طلب و نه اصولگرا را بیشتر اصولگرایان بازنمایی می‌کردند و شعارهای مربوط به رضا شاه را رسانه‌های بیگانه و این دست شعارها، اتفاقاً در بین شعارهای معطوف به معیشت، به مراتب کمتر عنوان شده است.

و- باین حال باید ذکر کنم که در تحلیل کلی من، رابطه معنادار با ضریب همبستگی بالابین ناآرامی‌های شهرهای مختلف با هیچ کدام از این متغیرها دیده نمی‌شود. البته می‌توانیم ردپای همه یا برخی از این متغیرها را در شهرهای دستخوش ناآرامی ببینیم و در شهرهایی که ناآرامی به خشونت گراییده، این همبستگی را کاملاً ببینیم ولی معتقدم در ایران امروز، یک اتفاق ذهنی در فضای عمومی (انگاره‌ها) افتاده که مبنای مادی این فضای ذهنی، ناکارآمدی‌های اقتصادی، معیشتی، بیکاری، نابرابری با همراهی انسداد اجتماعی است، به گونه‌ای که در اکثریت این شهرها فقدان مکان‌ها و برنامه‌هایی برای تخلیه اجتماعی ساکنان هستنیم.

### نتیجه‌گیری

مسائلی چون نامیدی عمومی، فقدان چشم‌اندازی برای آینده بهتر و... در فضای کنونی جامعه شکل گرفته است که با اثر پروانه‌ای می‌تواند به منصف ظهور برسد. همه شهرهایی که دستخوش ناآرامی‌های دی ماه سال گذشته شدند، عواملی از متغیرهایی که پیشتر درباره آنها سخن گفتیم را داشته و دارند، ولی باین حال، به نظر من یک نقطه ضعف بزرگ برای ما این است که هنوز نتوانسته‌ایم تبیین روشنی از دلایل اتفاقات سال گذشته ارائه کنیم. شاید نتیجه‌گیری اصلی من این باشد که چنین مشکلاتی در شهرهای ما وجود دارد و تحت تاثیر اثر پروانه‌ای، قابلیت انتشار سریع در کشور را دارند، که هر دو موضوعات تلخی هستند. می‌توانم تنها این توصیه را داشته باشم که دولت به معنای عام کلمه باید تلاش کند نارضایتی‌های انباشته ناشی از بیکاری، مشکلات معیشتی و نابرابری را کم کند و به واقع تصویری از خود به عنوان یک دولت حلال مشکلات در جامعه ارائه دهد. ضمن اینکه معتقدم نباید زندگی اجتماعی مردم را بیش از این دستکاری کنیم.

مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که اعتراضات و ناآرامی‌های اولیه در شهر مشهد که یک جریان سیاسی رقیب و مخالف دولت در آن مشارکت و حضور داشت، آغازگر ناآرامی‌های سایر شهرستان‌ها بود. اگر بخواهیم نقشی در حوزه سیاست برای وقایع دی ماه ۹۶ قائل شویم، معتقدم که یک جریان سیاسی که می‌خواست به نوعی دولت را تحقیر کند و علیه او یک ماجرای خیابانی راه بیندازد، منجر به شکسته شدن مارپیچ سکوت شد اما مشارکت سایر شهرستان‌ها به هیچ عنوان از این عامل تبعیت نکرد. دلخواه همین جریان سیاسی نیز این نبود که اتفاقات شهر مشهد به سایر شهرها گسترش پیدا کند، اما در همان جمعیت شهر مشهد، بلافاصله بعد از اینکه شعارها تغییر یافت، بازی‌ای آغاز شد که خاتمه آن دست آغازگرانش نبود. در این زمینه یکی از افراد شاخص این جریان در جایی طی سخنانی جالب و مهم، بحث عدم توصیه به حضور افراد در خیابان‌ها را مطرح کرده و گفته بود که «دیگر خیابان‌ها یک طرفه نیست، بلکه دوطرفه شده است».

بنابراین اگر بخواهیم در مورد این ادعا، نتیجه‌گیری کنیم، می‌توان به آن به عنوان عامل شکننده مارپیچ سکوت اشاره کرد و نمی‌توان ناآرامی مردمی در همه شهرهای درگیر را به کمک آن مفهوم تبیین کرد. معتقدم علت اینکه چرا این اعتراضات تا پیش از دی ماه ۹۶ بروز نکرد و در دی ماه خود را نشان داد، نتیجه یک شوک اجتماعی بود که اثر پروانه‌ای نامگذاری می‌شود. اثر پروانه‌ای، اثری است که در نقطه، فشار را می‌شکند و اعتراضات را به سطح می‌آورد. این ضربه شکننده می‌توانست یک عامل خارجی باشد، اما گروه‌های سیاسی رقیب که علیه دولت اقدام کردند، باعث شکسته شدن فضای موجود شدند.

ج- طبق برخی از مطالعات ابتدایی صورت گرفته و مصاحبه با افراد شرکت‌کننده در برخی از حوادث را که از مسئولین دریافت کردم، معتقدم امروز پدیده‌ای به نام نارضایتی با تداوم زمانی زیاد و با شدت بالا وجود دارد که هر آن امکان دارد به غافلگیری منجر شود. یکی از این مطالعات نشان می‌دهد که خشکسالی در شهرهایی که به درگیری‌های خشن منجر شد، بیشتر از سایر نقاط به چشم می‌خورد و نیز نرخ بیکاری بالا به خصوص در بین جوانان مشارکت ساکنان شهرهای با جمعیت متوسط در ناآرامی‌ها را تشدید کرده است. همچنین باید توجه داشت که در شهرهایی با جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر، وقتی حرکتی صورت می‌گیرد، قابلیت و امکان ایجاد حرکت‌های تخریبی را بیشتر می‌کند.

د- نرخ مشارکت سیاسی افراد هم جزو شاخص‌هایی است که می‌تواند برخی از موضوعات را تبیین کند. تعدادی از جامعه‌شناسان و اندیشمندان علوم سیاسی کشور، مطالعاتی را درباره رفتارشناسی رای دهندگان در انتخابات سال ۱۳۹۴ (دهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی) انجام دادند که نشان از وجود رابطه بین فقر، حاشیه‌نشینی و عدم مشارکت داشت. در نتیجه‌گیری این مطالعات،

در تحلیل ناآرامی‌های دی ماه ۹۶، به رغم فقدان دسترسی به آمار و اطلاعات و تحلیل‌های دست اول، به نظر می‌رسد این موضوع حداقل از چند منظر اقتصاد معیشتی، تحولات زیست محیطی، نابرابری، انسداد اجتماعی و تحولات ارتباطی قابل تبیین است، هر چند متأسفانه در سنت تحلیل و تبیین ناآرامی‌های اجتماعی، معمولاً به روش فرافکنانه، عامل خارجی علت اصلی قلمداد می‌شود. در این سنت که «دشمن» عامل مسائل ماست راحتی در نظام‌های توسعه یافته مثل آمریکا هم مشاهده کرد. محمدرضا شاه هم پیوند ارتجاع سپاه و سرخ را عامل ناآرامی‌های داخلی می‌دانست و بعد از پیروزی انقلاب شکوهمند ایران نیز در کتابی که نوشت، غربی‌ها را عامل انقلاب در ایران خواند، در حالی که هر تحول و ناآرامی اجتماعی از قاعده‌مندی علمی برخوردار است و پدیده‌ای است که براساس روابط علت و معلولی در زمانی خاص روی می‌دهد. البته خوشبختانه در حادثه دی ماه سال گذشته، کمتر کسی به سراغ عامل خارجی به عنوان علت اصلی رفت و بیشتر این عامل، به عنوان محرک ذکر شد که می‌تواند حاوی نکات صحیحی باشد، اما در علل و ریشه‌یابی به هیچ وجه دخیل نیست.

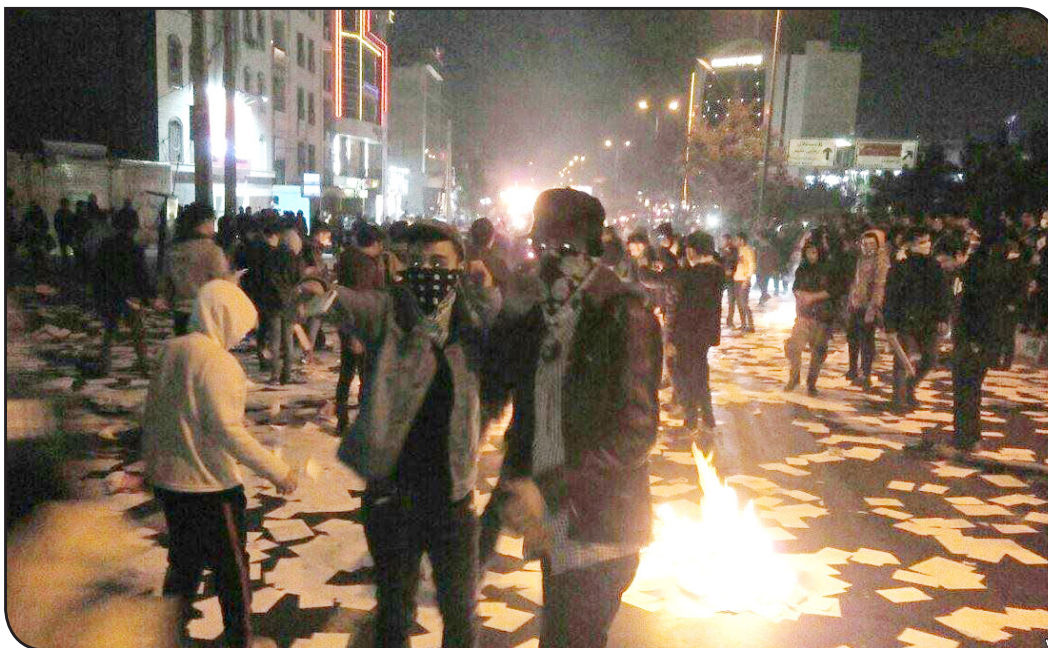
اما در مسأله دی ماه ۹۶، این بار عامل رقابت‌های سیاسی بین رقبای جریان‌های سیاسی به عنوان یک عامل مورد بحث قرار گرفت. رئیس‌جمهور در تاریخ ششم شهریور ماه امسال در صحن علنی مجلس شورای اسلامی ایران و در پاسخ به نمایندگان جبهه پایداری از پنجم دی ماه سال ۱۳۹۶ به عنوان روز تغییر جو کشور نام برد و گفت: «هر کس تاریخ دیگری برای این تغییر اعلام کند به اعتقاد من آدرس غلطی به مردم داده است. پنجم دی ماه سال ۱۳۹۶ بود که مردم ناگهان دیدند عده‌ای در خیابان‌ها آمده‌اند و شعار می‌دهند و این شعارها کم‌کم تبدیل به شعارهایی هنجار شکنانه و غیرقابل قبول برای همه شد». در این نوشتار کوتاه سعی خواهد شد که از منظر یک فعال و تحلیلگر مسائل اجتماعی به علل این رویداد پرداخته و این ادعا را نیز مورد بررسی قرار دهیم.

الف- در یک تقسیم‌بندی اولیه باید مسأله اقتصادی با تاکید بر عدالت و نابرابری، مسأله اجتماعی با تاکید بر بیکاری، خشکسالی (کم‌آبی) و مهاجرت‌های ناخواسته، مسأله فرهنگی با تاکید بر نبودن فضا و برنامه‌ها و ظرفیت‌های شهری برای تخلیه اجتماعی و مسأله روانشناختی با تاکید بر وجود فضای مجازی و ارتباطات گسترده و ایجاد پدیده شکاف بین خودآرزویی و خودوقایع را دسته‌بندی کرد. در نهایت نارضایتی‌های مزمن شده در عرصه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی و بی‌اعتمادی به دولت به مفهوم عام و کارکردهای آن، موضوعاتی هستند که باید رابطه هر کدام از آنها را با موضوع ناآرامی‌های دی ماه ۹۶ مورد ارزیابی قرار داد.

ب- در مورد گزاره مطرح شده از سوی رئیس دولت مبنی بر راه انداختن ناآرامی‌های از سوی رقبای سیاسی داخلی باید گفت،

اینجا هنوز هم پرونده‌هایی باز است

# نگاهی به ریشه‌های حوادث دی ماه ۹۶



هم مطرح کنند.

## بازداشت‌ها و احکام قضایی

موج بازداشت‌ها از همان روزهای اول شروع شد و تا چندی بعد هم ادامه داشت تا جایی که با شروع شدن امتحانات، نگرانی‌های دانشجویان برای هم‌کلاسی‌های بازداشتی‌شان بیشتر می‌شد.

طبق گزارش کمیته نمایندگی دانشجویی شوراهای صنفی کشوری در مورد وقایع دی‌ماه، از همان زمان وزارت علوم خبر از پیگیری وضعیت دانشجویان داد. وعده‌های مسئولان وزارت علوم برای بازگشت موقت دانشجویان می‌توانست امیدوارکننده باشد.

مولاوودی هم در ارتباط با پیگیری‌های صورت گرفته درباره احکام صادره برای دانشجویان دستگیر شده در اعتراضات دی‌ماه سال ۹۶، اظهار کرد: هنوز پیگیری‌های ما به نتیجه نرسیده است. تازه به مرحله بدوی گذشته است، اعتراض‌ها اعلام شده و امیدواریم نتیجه پیگیری‌های مان را در دادگاه‌های تجدیدنظر ببینیم. دادستان اعلام کرده بودند که وزارت علوم اطلاعات کامل در رابطه با دانشجویان دستگیر شده را اعلام نکرده است اما این موضوع که دولت اصلاً در این باره با آنها صحبتی نکرده، درست نیست. اعضای مختلف دولت پیگیر این موضوع هستند و امیدوار هستیم که به نتیجه برسیم.

پروانه سلحشوری هم در گفت‌وگویی در خصوص پیگیری بازداشتی‌های دی‌ماه ۹۶ اعلام کرد: در جریان اعتراضات دی‌ماه سال ۱۳۹۶ و پس از آن ۱۵۰ دانشجوی بازداشت شده‌اند و آمار پنج نفره ارائه شده از سوی وزارت علوم نادرست است. وزارت اطلاعات، در پرونده قضایی برخی دانشجویان نقش دارد، بنابراین دولت و وزارت اطلاعات باید در این مورد توضیح دهند.

وی گفت: فهرستی از دانشجویان بازداشت شده پس از وقایع دی‌ماه ۹۶ تاکنون تهیه شده که تعداد آنها بالغ بر ۱۵۰ نفر است. همچنین فهرستی از مشخصات برخی دانشجویانی که از دی‌ماه به بعد در دادگاه بدوی حکم حبس، شلاق، جزای نقدی یا ممنوع‌الخروجی و محرومیت از برخی حقوق اجتماعی گرفته‌اند، تهیه شده است.

ادامه در صفحه ۵

جامعه و مسئولان ذی‌ربط تبدیل شد.

حسین ذوالفقاری، معاون امنیتی و انتظامی وزارت کشور درباره بازداشت‌شدگان دی‌ماه سال گذشته عنوان کرد: اعتراضات دی‌ماه ۹۶ «عبور از همه جریان‌های سیاسی کشور بود» و ۸۵ درصد از بازداشت‌شدگان این تجمع‌ها زیر ۳۵ سال سن داشتند.

## کمیته‌ها و پیگیری‌ها

بعد از اخبار منتشر شده دولت بلافاصله دستور تشکیل کمیته‌ای را با حضور معاون حقوقی، وزیر کشور، وزیر دادگستری و دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی صادر کرد.

مطابق این دستور، وزرای کشور، اطلاعات، دادگستری و معاون حقوقی رئیس‌جمهوری مأموریت یافتند تا جزئیات امر را بررسی و پیگیری دقیق کرده و گزارش بررسی‌های خود از جمله قصور یا تقصیر احتمالی را به رئیس‌جمهوری گزارش دهند.

روحانی ریاست این کمیته را به وزیر کشور سپرد و مطابق توافق گرفته، وی باید تمامی گزارش‌ها از وزارت اطلاعات، سازمان زندان‌ها، سپاه و همه مراجعی که به این وقایع مربوط هستند را دریافت می‌کرد. در همان روزهای نخستین تشکیل این کمیته، شهیندخت مولاوودی، دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی گفت: رئیس‌جمهور نسبت به این ماجرا (وضعیت بازداشت‌شدگان دی‌ماه) بسیار جدی است و تذکر دادند وضعیت زندان‌ها حتماً بررسی شود.

مولاوودی تأکید کرد: در این ارتباط مکاتباتی هم وجود داشت و امیدوارم که از مراجع ذیربط گزارش‌های کاملی به دست کارگروه برسد، زیرا هر چند کارگروه خود رأساً در حد اختیارات و امکانات تحقیقاتی انجام می‌دهد، اما برای بررسی دقیق و درست، حتماً نیازمند گزارش‌های کامل از نهادهای ذیربط هستیم تا این کمیته بتواند پاسخ دقیق و مسئولانه‌ای درباره این موضوع به مردم بدهد.

به گفته دستیار ویژه رئیس‌جمهور در امور حقوق شهروندی، کمیته پای صحبت‌ها و درد دل‌های خانواده‌ها نشست و این دیدارها انجام شد، ضمن اینکه این کمیته هماهنگ کرد تا خانواده‌ها، مسائل خود را با مسئولان ذیربط

**سمیرا عالم‌پناه** | اردیبهشت سال ۹۶ یکی از رقابتی‌ترین و داغ‌ترین انتخابات ریاست جمهوری کشور برگزار شد و حسن روحانی توانست با رأی بالایی نسبت به رقیبان خود، برای بار دوم راهی پاستور شود. بعد از انتخاب روحانی به عنوان رئیس دولت، رقیبان جناح مخالف وی که انتخابات را پایان نیافته می‌دیدند، سعی کردند با ایجاد چالش پیش روی دولت روحانی سنگ اندازی کنند.

آنها با مطرح کردن مسائلی به خصوص در بحث اقتصادی، افکار عمومی را به تقابل با دولت وادار، به گفته برخی از تحلیل‌گران، همزمان با سفر معاون اول رئیس‌جمهور به استان خراسان رضوی با فراخوانی که در شهرهای این استان داده شده بود، هفتم دی‌ماه سال گذشته سعی کرد نوعی اعتراض مردمی با هدف اولیه تخریب دولت وقت شکل دهد. در فراخوان این اعتراض «نه به گرانی و اعتراض به سیاست‌های اقتصادی دولت» مطرح و از مردم خواسته شده بود که در مقابل فرمانداری‌ها تجمع کنند.

این اتفاق به سرعت در شبکه‌های اجتماعی انتشار یافت و به این ترتیب اعتراضات، شکل گسترده‌تری به خود گرفت به گونه‌ای که به اعتقاد بسیاری از کارشناسان در ادامه آن‌طور که طراحان آن پیش‌بینی کرده بودند، پیش‌ترفت و به سایر شهرهای کشور نیز سرایت کرد.

اعتراضات در شهرهایی مانند کاشمر، ساری، قائمشهر، خرم‌آباد، ایزه، ارومیه، زنجان، تهران، شاهین شهر و برخی شهرهای کوچک کشور شکل گرفت. نیروهای امنیتی و انتظامی وارد عمل شده و تعدادی از تجمع‌کنندگان نیز در این میان بازداشت شدند.

عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان تهران درباره بازداشت‌شدگان در ناآرامی‌های دی‌ماه ۹۶ گفت: اکثر متهمان دستگیر شده ۱۸ تا ۳۵ ساله و از طبقات پایین اجتماع بودند و تعداد کسانی که از «جمعیت‌نخبگان» کشور در این اعتراضات شرکت کردند، بسیار کم بود. با این حال و به گفته عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور بررسی‌ها نشان نمی‌داد که اعتراض‌ها «سازمان‌یافته» بوده یا منشأ بیرونی داشته باشد.

پس از فروکش کردن تب و تاب اعتراضات و ناآرامی‌ها، پیگیری وضعیت بازداشتی‌ها به یکی از اولویت‌های اصلی

## طوفانی در شرف غرش

## نقش نظام بانکی، در بازتولید نارضایتی‌های اجتماعی



ارغوان فرزین معتمد

یک سالی است که از ناآرامی‌های اجتماعی دی ماه سال ۹۶ می‌گذرد. سخن از دلایل وقوع ناآرامی‌های مورد اشاره، بسیار رفته و تحلیل‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... متعددی در این زمینه ارائه شده است. بسیاری دلایل نارضایتی‌های پیش آمده را مشکلات اقتصادی نظیر بیکاری، فقر، فساد مالی و... دانسته‌اند که به مرور انباشته شده و منجر به نارضایتی بخش وسیعی از مردم جامعه شده است. اگرچه این دلایل درست است اما در کنار تمامی تحلیل‌های اقتصادی صورت پذیرفته شاید کمتر به ریشه‌یابی مشکلات اقتصادی مورد اشاره در ابعاد مختلف پرداخته شده باشد، ریشه‌هایی که بعضاً آن قدر قوت گرفته‌اند که ریشه کن کردن آنها بسیار دشوار می‌نماید و تهدید تبدیل نارضایتی‌های پیش آمده را به طوفانی پر غرش به همراه دارد. به گمانم باید بخشی از ریشه‌های وقوع مشکلات اقتصادی برای عموم مردم اعم از بیکاری، فقر، مشکلات معیشتی و... را در نظام بانکی کشور جست. اگرچه در شرایط اقتصادی فعلی کشور، نظام بانکی تسهیل‌کننده بسیاری از فعالیت‌های اقتصادی است، لیکن جای خالی سیاست‌ها، برنامه‌ها و روش‌های تامین مالی و بانکداری برای عامه مردم و به ویژه دهک‌های کم‌درآمد و فقیر، یکی از مهمترین عوامل در تشدید بیکاری، فقر، رکود و تورم است. مروری بر اتفاقات پیش آمده در دهه ۸۰ در نظام پولی و بانکی کشور که منجر به تقویت بازار غیرمستقیم پولی و رشد قمارگونه موسسات تامین مالی غیرمجاز به گونه‌ای شد که براساس آمارهای غیررسمی بیش از ۲۰ درصد از نقدینگی کشور در این بخش متمرکز شد، یک نشانه مهم به همراه داشت که شاید کمتر بدان توجه شد و آن عدم دسترسی عموم مردم که در دهک‌های متوسط و پایین جامعه قرار دارند، به منابع مالی برای تولید و مصرف بود. چنین محدودیتی، تقاضا برای استفاده از منابع مالی به قیمت بالا را افزایش داد و از آنجایی که فضای اقتصادی حاکم بر کشور فضای رکودی بود، منابع بانرخی‌های بالا تجهیز و در فعالیت‌های سوداگرانه تخصیص داده شد، آن گونه که در فاصله سال‌های دهه ۹۰، مشکلات پیش آمده برای سپرده‌گذاران این موسسات را به دنبال داشت. به گمانم یکی از دلایل مهم وقوع نارضایتی‌های اجتماعی در سال گذشته، نادیده گرفتن اهمیت و نقش گروه وسیعی از مردم در دهک‌های درآمدی متوسط و پایین جامعه در دستیابی به رشد اقتصادی از سوی نظام بانکی کشور بوده است.

این مسأله در سال‌های متمادی وقوع یافته و همچنان تدبیری برای آن اندیشیده نشده است. اقتصاد ایران در شرایطی به سر می‌برد که با چالش‌های چندگانه بیکاری، تورم، فقر و رکود در سال‌های متمادی دست به گریبان بوده است. اگرچه برخی سیاست‌ها و برنامه‌ها در کوتاه‌مدت توانسته است تا حدی به کنترل برخی از مشکلات مورد اشاره منجر شود، لیکن پس از یک دوره زمانی مجدداً اقتصاد ایران در دام چالش‌های مربوط گرفتار شده است. در تمام این

سال‌ها نظام بانکی کشور چه در لایه سیاست‌گذاری که بانک مرکزی است و چه در لایه اجرایی که بانک‌ها و موسسات بانکی کشور هستند، فاقد سیاست‌ها و برنامه‌های تامین مالی و بانکداری ضدفقر و مبتنی بر نیاز دهک‌های پایین و متوسط جامعه در قالب الگوهای مناسب و فراگیر بوده است.

نگاهی به آمار و ارقام رسمی و غیررسمی در این حوزه نیز می‌تواند موضوع را روشن‌تر کند. براساس آمارهای غیررسمی، به طور متوسط بیش از ۸۰ درصد از تعداد سپرده‌گذاران در نظام بانکی، سپرده‌های کمتر از ۵۰ میلیون ریال در نظام بانکی دارند، لیکن سهم مبلغ این سپرده‌ها حجمی کمتر از ۵۰ درصد را به خود اختصاص می‌دهد. از طرفی مروری بر تسهیلات اعطا شده به مشتریان بانکی نیز نشان می‌دهد که به طور متوسط تعداد مشتریان تسهیلات خرد بیش از مشتریان تسهیلات کلان است و به طور منطقی سهم مبالغ اعطایی به مشتریان خرد کمتر از مشتریان کلان، همچنین متقاضیان تسهیلات خرد نیز به طور منطقی تعداد بیشتری از متقاضیان تسهیلات کلان دارند، لیکن دسترسی عموم مشتریان خرد به ویژه مشتریان کم‌درآمد به منابع بانکی اندک است. طبق آمارهای غیررسمی کمتر از ۱۲ درصد گروه‌های کم‌درآمد در ایران به منابع بانکی دسترسی دارند. از سوی دیگر نگاهی به سری زمانی آمار و ارقام بودجه خانوار در طول دهه‌های ۸۰ و ۹۰ نشان می‌دهد که همواره به طور متوسط میزان درآمد و هزینه خانوار نزدیک به هم بوده و این به معنای آن است که به طور متوسط جامعه از پس اندازه نقدی قابل توجهی برخوردار نیست. از طرفی مصرف بیش از هفت دهک اول جامعه طی سالیان متمادی به طور متوسط حدود ۵۰ درصد بوده است که این نیز نشانه‌ای از توان مالی کمتر عموم مردم جامعه برای مصرف است. جمع‌بندی موارد اشاره شده به خوبی نشان می‌دهد که یکی از مشکلات عمده در فضای اقتصادی کشور که وضعیت اقتصادی بخش وسیعی از مردم را تحت تأثیر قرار داده است، دسترسی اندک به منابع مالی است. این مسأله برای گروه‌های فقیر جامعه و گروه‌هایی که در مناطق روستایی و کمتر توسعه یافته زندگی می‌کنند به مراتب شدیدتر بوده و هست. راه حل نظام بانکی در طول سالیان متمادی تمرکز بر ارائه تسهیلات به صورت تکلیفی، در برخی موارد بانرخی سود اندک یا به صورت قرض الحسنه برای بهبود معیشت و مصرف و در بهترین حالت ارائه وام به کسب و کارهای خرد، متوسط و کوچک بوده است. با اینکه در دوره‌های مختلف زمانی تریق منابع بانکی در قالب تسهیلات به بنگاه‌های تولیدی اتفاق افتاده است، اما همچنان مسأله دسترسی گروه‌های کم‌درآمد به منابع بانکی، رونق کسب و کارهای خرد و حتی افزایش مصرف رخ نداده و نرخ بالای سود بانکی در طول دوره‌های زمانی مختلف نتوانسته به صورت درون‌زا تبدیل شود. به این ترتیب شاید بتوان گفت در طول سالیان متمادی نظام بانکی ایران نتوانسته است به طور نظام‌مند و در قالب الگوهای درست طبقه مشتریان کم‌درآمد و افراد فقیر جامعه را به منظور مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌مندی ایشان از منافع اقتصادی از خدمات تامین مالی و بانکداری بهره‌مند کند. روش‌های تامین مالی

خرد در کشور ایران همچنان به صورت نظام‌مند پیاده‌سازی نمی‌شود و تامین مالی خرد غالباً به ارائه تسهیلات خرد تعبیر می‌شود. در نظام بانکداری مرکزی کشور هنوز بانکداری مرکزی مبتنی بر الگوهای فراگیر و مبتنی بر سیاست‌گذاری‌های پولی با هدف گذاری جوامع محلی پیاده‌سازی نشده است و وقتی در لایه حاکمیت در نظام پولی و بانکی الگویی برای سیاست‌گذاری پولی مبتنی بر گروه‌های کم‌درآمد وجود ندارد، چطور می‌توان انتظار داشت مشکلات اقتصادی این گروه حل شود و این گروه در رشد اقتصادی نقش آفرین باشند. در نظام بانکی ایران هنوز جایگاه روشنی برای بانک‌های اجتماعی و الگوهای بانکداری اجتماعی مشخص نشده است، پس چطور می‌توان انتظار داشت جامعه از سیستم‌های مالی و خدمات تامین مالی به صورت عادلانه بهره‌مند شود و رانت اقتصادی و فساد مالی کاهش یابد. عدم توجه به الگوهای بانکداری مبتنی بر جوامع محلی و مبتنی بر نیاز عموم مردم جامعه شاید در نگاه نخست چندان مهم به نظر نرسد، چرا که غالباً وقتی سخن از رشد اقتصادی، مشتریان بانکی، تزیق منابع مالی و... می‌رود تصور و تحلیل سرمایه‌داری بر آن است که از طریق سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌توان تمامی مشکلات اقتصادی مربوط به گروه‌های ضعیف و متوسط جامعه را نیز حل کرد، اما غفلت اصلی در اینجا رخ می‌دهد که توجه در نظام پولی و بانکی مرسوم بر تعداد وسیع مشتریان بالقوه و بالفعل بانکی که حجم قابل توجهی از مردم جامعه را تشکیل می‌دهند نبوده و توجه اصلی بر حجم سرمایه مشتریان متمرکز است. این دقیقاً نقطه‌ای است که آغازگر چالش‌های اجتماعی است چرا که ادامه روند سیاست‌گذاری‌های پولی و بانکی مبتنی بر سرمایه‌گذاری‌های کلان در اقتصاد که بازدهی سرمایه‌گذاری‌های کلان در آن افت کرده است، منجر به جاماندگی گروه‌های وسیع‌تری از جامعه از منابع مالی مورد نیاز در قالب الگوهای کسب و کار مناسب شده و این جاماندگی، ایشان را از دایره تولید و مصرف نیز خارج می‌کند. به این ترتیب در طول زمان سهم بیشتری از افراد قدرت خرید خود را از دست می‌دهند، بیکاری می‌شوند و در گروه‌های درآمدی پایین‌تر قرار می‌گیرند. بخشی نیز وارد فعالیت‌های سوداگرانه می‌شوند که به دنبال آن تورم، رکود بیشتر و بدهی‌های بیشتر بانکی را به ارغوان می‌آورند. این گونه می‌شود که ما به دنبال اتفاقات رخ داده در دهه ۸۰ در خصوص شکل‌گیری موسسات مالی غیرمجاز، با یک تأخیر زمانی و به دنبال وقوع اتفاقات رخ داده مورد اشاره و به دلیل عدم توجه به دامنه وسیعی از مردم جامعه به عنوان مشتریان هدف بانک‌ها و موسسات اعتباری و اتفاقاً باز یگران اصلی رشد اقتصادی، به ناگاه شاهد نگرانی‌های شدید مردم جامعه و در پی آن بی‌اعتمادی ایشان به سیاست‌گذار و نهایتاً نارضایتی همان گروه‌های جاماندگان از سیاست‌های کلان پولی و بانکی می‌شویم که به ناگه همچون طوفان وقوع می‌یابد و اگر در پی اصلاحات جدی در نظام بانکی با رویکردهای مبتنی بر بانکداری اجتماعی و مبتنی بر جوامع محلی نباشیم، این طوفان ممکن است مجدد و با غرشی شدیدتر به وقوع پیوندد. فراموش نکنیم که در بسیاری از کشورها بحران‌های مالی به وقوع بحران‌های اجتماعی و اقتصادی شدیدتر منجر شده است.

## ادامه از صفحه ۴

## راهکارها و نهادها

نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه تهران به منظور پیگیری وضعیت احکام قضایی دانشجویان جلسه‌ای در محل دفتر این نمایندگی تشکیل داد. در این جلسه قرار شد طبق هماهنگی‌های پیشین نهاد و مسئولان قوه قضائیه، کمیته‌های متشکل از نمایندگان از این نهاد، اساتید دانشکده علوم اجتماعی و کمیته نمایندگان دانشجویی به بررسی وضعیت دانشجویان و ارائه گزارش مسبوسی از وضعیت آنها از طرف دانشگاه به قوه قضائیه بپردازند و درخواستی در راستای

مطالبات دانشجویان به میانجیگری نهاد رهبری دانشگاه تهران با قوه قضائیه مطرح شود.

در این جلسه دانشجویانی که احکام دادگاه اولیه آنها صادر شده بود، حضور پیدا کردند و پس از توضیح تفصیلی درباره وضعیت بازداشت تا صدور احکام خود، نکاتی را که برای تکمیل این گزارش نیاز بود، به این کمیته انتقال دادند. پس از آن با پیگیری‌های صورت گرفته دیداری توسط نمایندگان دانشجویان با شهیندخت مولاردی، دستیار ویژه رئیس جمهور در امور حقوق شهروندی انجام شد. وی که پیش از این دیدار در مصاحبه‌ای انتظار تیرنه دانشجویان را مطرح کرده بود، وعده داد مباحث مطرح شده

را با شخص معاون اول رئیس جمهور و شخص وزیر اطلاعات در میان خواهد گذاشت و به پیگیری‌های مستمر خود ادامه دهد، وعده‌ای که با کنارگیری مولاردی از دولت پیگیری آن هم به دست فراموشی سپرده شد.

اکنون با گذشت یک سال گفته می‌شود تعداد کمی از افراد در بازداشت به سر می‌برند و در انتظار هستند که به پرونده‌هایشان رسیدگی شود. در همین رابطه لعیاجنیدی در گفت‌وگو با توسعه ایرانی درباره پیگیری وضعیت بازداشت‌شدگان بعد از گذشت یک سال گفت: قریب به اتفاق افرادی که در آن روزها دستگیر شده بودند، آزاد شدند و کمتر از یک درصد هنوز پرونده‌هایشان باز است که در حال رسیدگی است.



تقابل جریان های سیاسی، جرقه آغاز ناآرامی ها

## اعتراضات دی ماه محصول به حاشیه رفتن طبقه متوسط است

سعید معیدفر، جامعه‌شناس ایرانی و استاد بازنشسته دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در خصوص بررسی اتفاقات دی ماه سال ۹۶ و احتمال بروز چنین حوادثی در آینده باروز نامه «توسعه ایرانی» به بیان نکاتی پرداخت که در ادامه می‌آید.



◀ در تحلیل حوادث دی ماه سال گذشته، طیف نسبتاً گسترده‌ای از عوامل به عنوان علل روی دادن چنین رخدادی فهرست شده‌اند؛ از اختلافات جناحی میان جریان های سیاسی رقیب گرفته تا علل اقتصادی و اجتماعی. شما منشأ بروز چنین اتفاقی را چه می‌دانید؟

حوادث سال گذشته دارای ابعاد مختلفی است و یک بعد ندارد. آنچه در سال گذشته اتفاق افتاد هم ضعف مدیریت کشور در حوزه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و... بود و هم برخی اختلاف‌های سیاسی و رویارویی دو قطب، چه در دولت و چه در بخش‌های غیردولتی. در عین حال می‌توان گفت حوادث سال گذشته را ناشی از نوعی سرخوردگی، ناامیدی و یأس نسبت به قول‌هایی که دولت جدید در آغاز انتخابات سال ۹۶ به مردم داد، مشاهده کرد که متأسفانه بلافاصله بعد از پیروزی در انتخابات نسبت به عمل به قول‌ها و تعهداتی که اعلام کرده بود اما و اگرهایی پیش آمد.

در انتخابات سال گذشته، نامزدها سعی کردند بر امواج انتظارات و خواسته‌های مردمی سوار شوند و رقیب خود را شکست دهند. پس از انتخابات متأسفانه در عرصه اقتصاد و تنظیم بازار و مشکلات خاصی که در این زمینه بود، انتظارات برآورد نشد و حرفی از آن هم به میان نیامد. همین‌طور هم در عرصه سیاسی انتظارات بی‌جواب ماند و هم در حوزه اجتماعی. در مجموع پس از چند ماه، تغییر رویه‌ها و عقب‌نشینی از مواضع پیشین در عرصه بین‌المللی باعث شد تا در نهایت شرایط سال گذشته را ایجاد کند. از سوی دیگر اتفاقات فراوانی در سال گذشته در کشور به وقوع پیوست و هفته‌ای نبود که اتفاقی در کشور نیفتد؛ از زلزله که پشت سر هم تمام کشور را در بر گرفته بود تا اعتراضاتی که مالباحثانگان مؤسسات بانکی داشتند تا آتش‌سوزی و غرق شدن کشتی سانچی و... هفته‌ای نبود که در کشور یک امر ناگوار و اتفاق نیفتد و مجموعه این حوادث جامعه را ملتهب کرد. در کنار این

وقایع نیز بحث تحریم‌ها و نگرانی‌هایی مردم شرایط را برای وقوع آن اعتراضات در سال گذشته آماده کرد.

جرقه این اعتراضات نیز از همان مسائل در مشهد آغاز شد. رقبای شکست‌خورده تلاش می‌کردند از این شرایط علیه دولت استفاده کنند و عملاً این جرقه باعث بروز تظاهرات‌ها در مشهد شد که در نهایت از کنترل خارج شده و به دیگر مناطق کشور کشیده شد.

◀ شهرهای کوچک در حوادث سال گذشته، آبستن اتفاقات و خشونت‌هایی بیش از شهرهای بزرگ و مراکز استان‌ها بودند. آیا دلیل این امر چه بود؟

بحث و نابرابری‌ها یکی از مباحث اصلی ما در اعتراضات است. کمبودهای اقتصادی و اجتماعی هر روز بزرگتر و وسیع‌تر می‌شود. نابرابری در مناطق و بخش‌های مختلف کشور وجود دارد و قطعاً یکی از عوامل مهم در بروز ناآرامی‌ها است اما نکته‌ای که در اعتراضات سال قبل اتفاق افتاد و به نظر می‌رسد ناآرامی‌های آتی از همین جنس باشد، به محقق رفتن نقش طبقه متوسط در تحولات جامعه است. طی سال‌های متمادی طبقه متوسط به شدت در ایران کوچک و کوچکتر شده و به دلیل مشکلات اقتصادی و فشارهایی که به این طبقه وارد شد، در مجموع می‌بینیم که امروز طبقه متوسط جامعه و نخبگان اجتماعی نقش خود را در تغییر و تحولات جامعه تا حد زیادی از دست داده‌اند و این نقش به سستی گراییده است. از سوی دیگر فضای مجازی و شکل‌گیری گروه‌های قارچ‌گونه‌ای که نقش معتمدان و نخبگان در آن از بین رفته، یکی دیگر از دلایل دیگر کم‌نقش شدن طبقه متوسط در تحولات جامعه است. به نظر می‌رسد با بروز مشکلات در ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی و اقتصادی، واکنش جامعه در برابر این فشارها بیشتر از سوی طبقات محروم و مردمی است که از فرصت‌های زندگی کافی برخوردار نیستند. این ناآرامی‌ها بیشتر به شکل به‌هم‌ریختگی است و فاقد مدیریت است و ممکن است به هر سویی رود و به راحتی می‌تواند همه چیز را به هم بریزد و حتی ممکن است این جریان‌ها، اسباب دست‌آورد این و آن شود.

نوع ناآرامی‌های هادر کشور ما که از سال گذشته آغاز شده، از همین دست است یعنی ناآرامی‌های بی‌برنامه، ناآرامی‌هایی که نخبگان جامعه و طبقه متوسط در آن کمترین تأثیر را دارند و خود آنها

از این اعتراضات متعجب می‌شوند. در عین حال سرگردانند و نمی‌توانند تصمیم بگیرند که در این ناآرامی‌ها، کجا باید بایستند و از چه کسی دفاع کنند. دی ماه سال گذشته در اتفاقاتی که افتاد، دیدیم آن کورسوی امید یعنی جریان‌های سیاسی مانند اصلاح‌طلبان و لیبرال‌های آنها دچار مشکل شدند و نمی‌دانستند با این قضیه چه باید بکنند و حالت انفعالی داشتند و مواضع ضد و نقیض اتخاذ می‌کردند. گروه‌های مقابل اصلاح‌طلبان نیز همین‌طور بودند. ما در وضعیتی قرار داریم که اوضاع از کنترل نخبگان و طبقه متوسط خارج شده و به دلیل فشارها، عکس‌العمل‌هایی مانند آنچه که در سال گذشته اتفاق افتاد را شاهد خواهیم بود.

همچنین از آنجا که فشارها به پایین‌ترین سطوح جامعه بیشتر است و گرفتاری‌ها در شهرهای کوچک شدیدتر و عمیق‌تر است، اعتراضات در آنجا خود را بیشتر نشان می‌دهد. در کلان‌شهرها شاید این فشارها هنوز در برخی از لایه‌ها کمتر دیده شود. اینها مواردی است که به نظر می‌رسد باعث کم‌نقش شدن طبقه متوسط یا طبقه نخبه جامعه در این تحولات باشد.

◀ اتفاقات سال گذشته در ابتدا به دلیل نارضایتی‌های معیشتی آغاز شد اما در ادامه افراد بسیاری سعی داشتند که از این اعتراضات سوءاستفاده کرده و آن را به نفع خود کنند. به نظر شما این اعتراضات هدایت شده و از سوی گروه‌های معاند بود یا خیر؟

در وضعیتی هستیم که قطب‌نمای مشخصی نداریم، یعنی متأسفانه به همان دلایلی که بیان کردم حاکمیت به شدت نقش طبقه متوسط و نخبگان را به حداقل کاهش داده، به همین دلیل اساساً نمی‌توانم ارزیابی دقیقی برای وقوع این نوع اتفاقات داشته باشم و حتی بگویم در این اتفاقات عنصر خارجی نقش داشته است یا خیر. در حقیقت نمی‌توان با قاطعیت اظهار نظر و داوری کرد. البته طبیعی است که فشارهایی به جامعه وارد شده و تنگناها امروز در جامعه زیاد است و مشکلاتی مانند گرانی، نابسامانی، بی‌توفیقی دولت، فشارهایی که از داخل و خارج وارد می‌شود، بی‌نظمی‌هایی که وجود دارد و همه رانسیب به آینده نگران کرده، جوان‌هایی که بیکاری آنها را تهدید می‌کند، دانشگاهیانی که نمی‌دانند در چه وضعیتی قرار دارند و حتی احزاب و گروه‌هایی که

◀ پس از اعتراضات سال گذشته، شاهد محدودیت‌هایی در فضای مجازی بودیم. آیا دستگاه‌ها می‌توانند از روش‌های دیگری برای کنترل فضای مجازی استفاده کنند یا خیر؟  
طبیعی است ابزار مهم و کارآمد دولت همان ابزار کنترل است.

◀ موضوع دیگری که در اعتراضات سال گذشته مطرح بود این است که در سال گذشته بر خوردها از سوی دولت با معترضان عقلانی‌تر بود. ارزیابی شما از این موضوع چیست؟

در اعتراضات گذشته مانند اعتراضات طبقه متوسط، با نیروهای روبه‌رو بودیم که نسبتاً عقلانی بودند، هر رفتاری را انجام نمی‌دادند و اساساً اعتراضات مسالمت‌آمیز داشتند. در سال ۸۸ شاهد بودیم که گاهی معترضان، اعتراض خود را با سکوت بیان می‌کردند. در دانشگاه‌ها، دانشجویان سعی می‌کنند اعتراضات معقولی داشته باشند. پس از چند دهه، یک نوع عقلانیتی در طبقه متوسط ایجاد شده که دوباره نمی‌خواهد دگرگونی ایجاد کند و دوباره نمی‌خواهند رفتارهای خشونت‌بار اتفاق بیفتد. اما اتفاقات سال گذشته اتفاقاتی بودند که بنیان آنها در خشونت بود، چرا که طبقه متوسط در آن حضور نداشت. عمدتاً اقشار پایین‌تر جامعه بودند و اساساً در این قشر از جامعه، وقتی فشار به اوج برسد، آنها عکس‌العمل نشان می‌دهند که معمولاً این نوع عکس‌العمل‌ها، خشونت‌بار است. از آنجا که خشونت‌بار است اتفاقاً جنسش به گونه‌ای است که هنوز نیروهای کنترل‌گر با آن آشنایی ندارند که این نیروی اعتراض‌کننده نیروی جدید و شناخته‌نشده بود. همچنین افرادی که در آن نآرامی‌ها بودند به قدری غلظت یا شدت در رفتارشان دیده می‌شد که مواجهه با آنها دشوار می‌شد در حالی که در دوره‌های گذشته با یک دانشجوی مواجه بودند. با یک نیروی خشن که در حقیقت چیزی برای حفظ ندارد و می‌تواند هزینه‌های زیادی بدهد نمی‌توان به راحتی بر خورد کرد. بنابراین معتقدم از آنجا که نیروی معترض متفاوت بود، برخورد با آن نیز متفاوت شد.



یک نوع عقلانیتی در طبقه متوسط ایجاد شده که دوباره نمی‌خواهد رفتارهای خشونت‌بار اتفاق بیفتد. اما اتفاقات سال گذشته اتفاقاتی بودند که بنیان آنها در خشونت بود، چرا که طبقه متوسط در آن حضور نداشت

مشکلات مردم رانه تنها حل نمی‌کند، بلکه پیچیده‌تر می‌کند. تأثیر حوادث سال قبل در مجلس و نهادهای تصمیم‌گیر به گونه‌ای بود که دولت نتوانست منابع خود را آن‌طور که باید پیش‌بینی کند و در نتیجه کار به جایی رسید که امروز با سه برابر شدن قیمت‌ها روبه‌رو شدیم و اوضاع وخیم‌تر شد. شاهدیم که وضعیت بازار مسکن در جامعه ما مناسب نیست و کمرشکن شده و معلوم نیست مردم در سال آینده برای اجاره‌هایی که می‌خواهند برای خانه بپردازند، چه مبالغی را تعیین کنند. در این میان مردمی که ضعیف‌تر هستند، ضعیف‌تر می‌شوند. افزایش قیمت‌ها و مشکلات دیگری که هم‌اکنون با کوچک شدن منابع اقتصادی به وجود می‌آید. طبیعی است واکنش‌هایی را دربر خواهد داشت.

بلاتکلیف هستند، همه اینها در نهایت نشان‌دهنده این است که جامعه ما در یک فضای به شدت بیمارگونه‌ای قرار گرفته است. در عین حال قطب‌نمایی که بتواند راه را تشخیص دهند و غلط را از صحیح تشخیص دهند، از بین رفته است. به همین دلیل به نظر می‌رسد نمی‌شود در چنین وضعیتی در جامعه تحلیلی بر اتفاقات و وقایع داشت و فقط می‌توانیم بگوییم مجموعه‌ای از عوامل می‌تواند در وقوع هر حادثه‌ای نقش داشته باشد و کمترین تأثیر در این اتفاقات نیز تأثیر نخبگان و طبقه متوسط جامعه است. در حقیقت افساری که در تنگنا قرار گرفته‌اند و ممکن است در این اوضاع و احوال یک عده در منطقه بخواهند از آب گل آلود ماهی بگیرند چرا که ما به قدر کافی در دنیا و منطقه با دشمن درگیر هستیم. آینده‌ای که نمی‌توان آن را پیش‌بینی کرد. در شرایطی هستیم که تحلیل اوضاع بسیار دشوار است و از نظر من به عنوان یک جامعه‌شناس، مؤلفه‌هایی که بتوانم براساس آن تحلیل‌های درستی ارائه کنم و بتوانم براساس آن صحیح‌را از سقیم تشخیص دهم، در اختیار ندارم. در جامعه مجهولات زیاد است و با این مجهولات نمی‌دانیم چگونه می‌توان از این وضعیت خارج شد و از آنجا که در گذشته دائماً مشکلات را قبل از اینکه مجهولات مازید شود، حل نکرده‌ایم، امروز به جایی رسیده‌ایم که نمی‌دانیم باید چه کنیم و الا بهترین کارشناسان دنیا هم وارد این کشور شوند، بعد است بتوانند مشکلات را حل کنند.

◀ با توجه به تشدید تحریم‌ها و پیش‌بینی وضعیت سال آینده، آیا می‌توان گفت که احتمال تکرار چنین اتفاقاتی در کشور وجود دارد؟

اقداماتی که انجام می‌دهیم شرایط را بدتر کرده و به نتیجه نمی‌رسیم. گاهی به طور موقت درمان‌های کوتاه‌مدتی انجام می‌شود اما دیر یا زود آن ناکارآمدی‌ها و مشکلات ساختاری برمی‌گردد و گریبان ما را می‌گیرد. طبیعی است که باید پیش‌بینی کنیم که در آینده وقتی که فشار از حدودی فراتر برود، چه باید کرد. معتقدم این اعتراض‌ها و واقعاً خواسته‌ها و

## حضور در کف خیابان، دستاوردی ندارد

# میرلوحی: راهی جز بازگرداندن اعتماد عمومی نداریم

محمود میرلوحی، فعال سیاسی اصلاح‌طلب معتقد است که علت اصلی رخ دادن نآرامی‌های دی ماه سال گذشته، انباشت نارضایتی در بطن جامعه بوده است. وی در گفت‌وگو با روزنامه «توسعه ایرانی» تفاوت سال ۹۷ و سال ۹۶ را در این واقعیت می‌داند که هر چند فشارهای اقتصادی در سال ۹۷ بیشتر به مردم وارد شده است، اما مردم پس از اتفاقات دی ماه سال گذشته، به این نتیجه رسیده‌اند که راه بهبود امور از کف خیابان‌ها نمی‌گذرد.



◀ علت اصلی نآرامی‌های دی ماه سال گذشته که شهرهای زیادی از کشور را درگیر خود کرد، چیست؟  
اعتراضات دی ماه پارسال، محصول ایجاد نارضایتی در جامعه بود که این امر خود دلایل مختلفی دارد. با این حال معتقدم جلب اعتماد عمومی، راه پیشگیری از چنین دست‌انگشتی است.

◀ در شرایط فعلی و با توجه به شکاف دولت - ملت، جلب اعتماد عمومی از چه راهی امکان‌پذیر است؟

در ابتدا باید دید اعتماد چیست که عمومی بودن آن چه باشد. اعتماد وقتی شکل می‌گیرد که احساس شود توانمندی پاسخگویی به حق و حقوق می‌تواند تأمین شود. به عنوان مثال قانون اساسی ما زمانی می‌تواند اعتماد عمومی را جلب کند که حقوق عمومی را تأمین کرده و یک حزب بتواند این

احساس را القا کند که می‌تواند منافع و مطالبات اقتصادی و سیاسی و فرهنگی را پاس‌خو باشد، در غیر این صورت اعتماد عمومی نمی‌تواند شکل بگیرد.

◀ به دی ماه ۹۶ بازگردیم. آیا امکان تکرار چنین حوادثی با توجه به ادامه وضعیت ناگوار اقتصادی مردم وجود دارد؟

مطالبات وقتی انباشته می‌شود یک‌جا سر باز می‌کند. ما طبیعتاً باید مسیر بروز مطالبات را تسهیل می‌کردیم تا مجتمع نشود. استارت اعتراضات دی ماه پارسال با بحث‌های اقتصادی خورد. مطالعات هم نشان می‌دهد که عموماً حاشیه‌نشین‌ها آن را ادامه دادند، یعنی جریان هدایت این اعتراضات را احزاب تشکیل نداده بودند. سلطنت‌طلب‌ها و منافقین هم می‌خواستند که دخالت کنند اما آمدن آنها هم شاید دلیلی بود بر اینکه این اعتراضات فروکش کرد یعنی وقتی جامعه احساس کرد که آنها دارند می‌آیند و می‌خواهند اعتراضات را هدایت کنند، کنار کشید و اعتراضات فروکش کرد. در این اعتراضات جنبه‌های اقتصادی و نارضایتی‌های اقتصادی بیشتر بود و شهرهایی که بیشتر مشکلات این‌چنینی داشتند، ورود کردند و جنبه سیاسی اعتراضات ضعیف‌تر از جنبه اقتصادی آن بود.

معتقدم اگر نتوانیم اعتماد عمومی را در این شرایط جلب کنیم، می‌بازیم. جلب اعتماد عمومی هم با مدل‌های جدید قابل کسب است. اعتماد عمومی در سایر کشورهای

دنیا از مسیر صندوق رأی ایجاد شده است و دیگر با شیوه‌های گذشته قابل کسب نیست. باید اعتماد عمومی را با ابزار جدیدش در حوزه‌های مختلف مثل فرهنگ جلب کرد. حتی از نظر جغرافیایی ممکن است جلب اعتماد حاشیه‌نشین‌های شهر با مرکزینان مدل‌های مختلفی نیاز داشته باشند.

در اینجا بد نیست مثالی بزنم. رئیس‌جمهور درباره صندوق‌های مالی اعلام می‌کند ۳۵ هزار میلیارد از جیب ملت داده شد که متأسفانه تمام‌شدنی هم نیست و هنوز هم سر دراز دارد. باید بررسی شود که این صندوق‌ها مال چه کسانی بودند و چه کسانی با چه شعارهایی این صندوق‌ها را تأسیس کردند. خوشحالیم که عامل هیچ‌کدام از این صندوق‌ها جریان اصلاحات نبوده اما بالاخره اتفاقی هست که افتاده و به جامعه فشار وارد می‌کند. یا جریانی می‌آید در انتخابات می‌بازد، ولی باز هم قدرت دارد و به دولت فشار می‌آورد. همین جریان ناکام را دیدیم که نگذاشتند مرحوم هاشمی، ریاست خبرگان را به عهده بگیرد. این جریان بعد از شکست در انتخابات، آن چنان مرحوم هاشمی و آقای روحانی را زیر منگنه قرار داد که آقای هاشمی تقریباً منصرف شود.

با این حال معتقدم جامعه ما الان تقریباً متقاعد شده که اگر بخواهد در کف خیابان حضور پیدا کند، سودش را ترامپ می‌برد در نتیجه این کار را انجام نمی‌دهد. سال گذشته این حس وجود نداشت و یک عده به خیابان‌ها آمدند.

وقتی همه غافلگیر شدند

# شکاف‌هایی که غائله دی‌ماه را آفرید

شرکت در آنها داشتند، نقشی غیرقابل انکاری در بروز این حادثه بوده است.

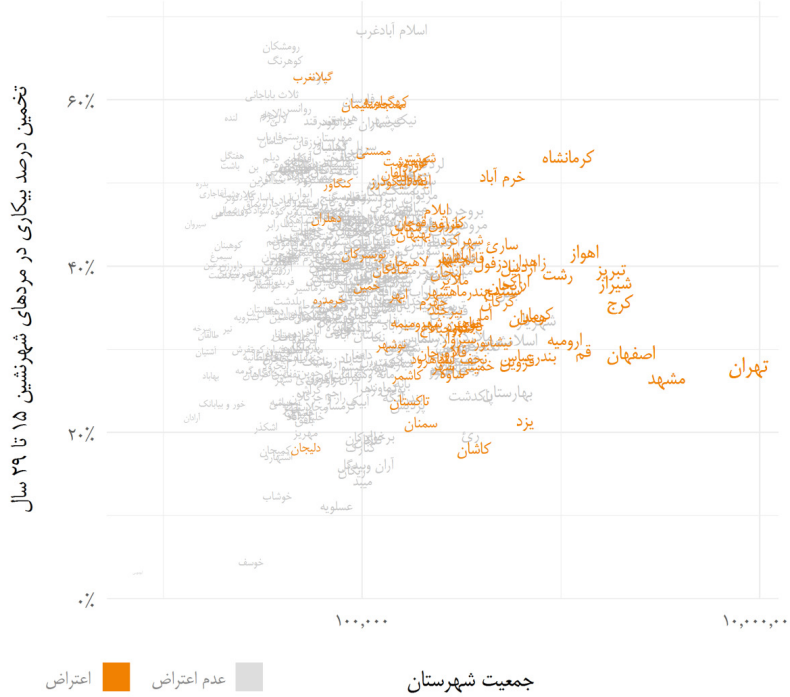
از سوی دیگر، اعتراضات انباشت شده، محصول برآورده نشدن مطالبات طی سال‌ها و حتی دهه‌های گذشته و نیز تغییرات اقلیمی، گسترش خشکسالی و کمبود آب را می‌توان از عوامل موثر در بروز ناآرامی‌ها و گسترش ناگهانی و سریع این اعتراضات - که در ظرف تنها سه روز، ۷۷ شهر را درگیر خود کرد و حدود ۱۰ روز تداوم یافت - دانست.

## آیا جامعه ایران ملت‌هت است؟

بیکاری، نابرابری اجتماعی، احساس عدم عدالت اجتماعی و اقتصادی، احساس تبعیض و نابرابری، گرانی و رکود را می‌توان از مهم‌ترین متغیرها و مولفه‌هایی دانست که وجود یک یا چند مورد از آنها می‌تواند بسترساز التهاب‌های اجتماعی و اقتصادی در کشور باشد. یکی از مسائلی که پس از بروز ناآرامی‌ها و بحران‌های دی‌ماه سال گذشته از سوی تحلیلگران اجتماعی و اقتصادی مطرح شد، تاکید بر وجود یک نوع التهاب اجتماعی در ایران است؛ التهاب‌های که قبل از اعتراضات هم در جامعه وجود داشت، ولی امکان بروز نیافته بود و کسی به آنها توجه نکرده بود یا توجه به آنها اندک بود.

مطابق آمارهای بانک جهانی نرخ بیکاری در جوانان ۱۵ تا ۲۴ سال در سال ۲۰۱۳ میلادی حدود ۲۱ درصد بوده است که این نرخ در سال ۲۰۱۷ نه تنها کاهش نیافت بلکه با رشدی ۵۵ درصدی به حدود ۲۶٫۵ درصد رسید. این بیکاری در حالی از اهمیت بسیاری برخوردار است که براساس مشاهدات میدانی و بررسی‌های صورت گرفته، عمده افرادی که در اعتراضات دی‌ماه حضور داشتند، اغلب شامل جوانانی با کمتر از ۲۵ سال سن بودند.

از سوی دیگر، روند بیکاری و عدم اشتغالزایی طی سال‌های ۸۴ تا ۹۲ به یک روند مستمر تبدیل شده بود، به گونه‌ای که تولید اشتغال خالص در سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد به نرخ صفر درصد رسیده بود و همین مسأله موجب شد تا نسل آماده کار امکان حضور در صحنه فعالیت را نداشته باشد و از طرفی، کارآفرینی‌هایی که در دولت یازدهم انجام شد، دیده نشود و با یک نوع انباشت بیکاری روبه‌رو بودیم. انباشت بیکاری نیز موجب به وجود آمدن احساس بیکاری گسترده‌ای در سطح جامعه بالاخص در شهرستان‌های دورافتاده شد. این عامل خود یکی از



نمودار پراکنده جمعیت و بیکاری مردان جوان شهرنشین شهرستان‌های کشور به تفکیک بروز و عدم بروز در شهرستان؛ مرکز آمار ایران سرشماری ۱۳۹۵

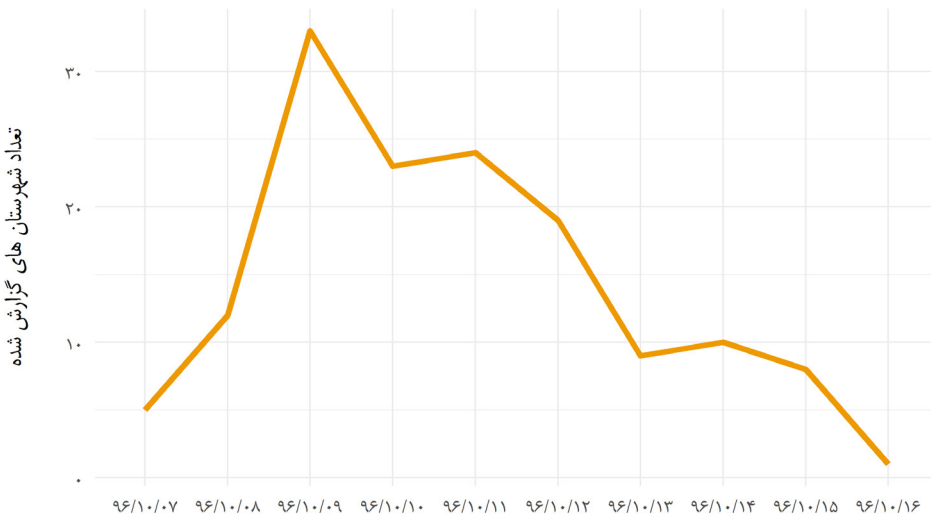
سر دادن شعارهای انتقادی تند و تیز از یک سو و به آتش کشیدن اموال عمومی، ساختمان‌های اداری، مراکز دولتی، دفاتر انجمنه جمعه، مساجد، پایگاه‌های بسیج و حتی به آتش کشیدن پرچم ایران نمایش یافت، علامت سوال‌های زیادی را برای بسیاری از کارشناسان، تحلیلگران، جامعه‌شناسان و... ایجاد کرد.

با آنکه از همان ابتدا، منتقدان دولت ریشه اعتراضات را به مسائل اقتصادی و اجتماعی ارتباط می‌دادند و با انگشت‌گذاری بر مسائلی نظیر گرانی، رکود، بیکاری و تحریم‌ها، دولت را مقصر نابسامانی‌های موجود می‌دانستند، بررسی‌ها نشان می‌دهد نقشی که مخالفان دولت در ایجاد فضای روانی شکل‌گیری اعتراضات و تهییج افراد برای

**محمدابراهیم ترقی‌نژاد | قرار بود آتش کوچکی روشن شود تا دودش برخی چشم‌ها را بسوزاند. دود به هوا برخاست و لبخند رضایت بر لبان عده‌ای نشست، غافل از آنکه صدها انبار پنبه ناشناخته در همان حوالی بود. آتش به انبار پنبه افتاد و گر گرفت. در حوادث دی‌ماه ۱۳۹۶ به گفته مقامات مسئول، بیش از صد شهر ایران درگیر اعتراضات مردمی شد؛ مطالبه‌گرانی که بدون هیچ مرام و مشی مشخص آمده بودند. حوادث آن روزها هم برای حاکمیت و هم روشنفکران غیرقابل پیش‌بینی بود. مقامات عالی‌سیاسی و حتی مذهبی بر وجود برخی کاستی‌ها و کمبودها صحنه گذاشتند. روشنفکران با تاخیر بسیار سعی کردند برای آن حوادث استدلال‌ها بیاورند ولی این بار همه بر یک موضوع اتفاق نظر داشتند: اعتراضات دی‌ماه چالش همه را غافلگیر کرد. حالا یک سال از آن روزها گذشته اما واکاوی و ریشه‌یابی اتفاقاتی که ساختار سیاسی ایران و حاکمیت را غافلگیر کرد، امری ضروری است. دلسوزان این مرز و بوم باید باید در تحلیل و چرایی چنین حوادثی پیشگام شوند.**



۱۰ روز اعتراض، ناآرامی و خشونت؛ از هفتم تا ۱۶ دی‌ماه، ۷۷ شهرستان از ۴۲۹ شهرستان در سراسر کشور دستخوش اعتراضات و ناآرامی‌های گسترده‌ای شدند. با آنکه تنها هفت ماه از دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری که طی آن دکتر حسن روحانی با بیش از ۲۴ میلیون رأی به عنوان پیروز انتخابات شناخته شده بود، می‌گذشت و امیدواری‌های زیادی نسبت به موفقیت و آینده ایجاد شده بود اما آغاز اعتراضات در شمال شرق کشور - که مرکزی برای مخالفان دولت است - و تسری ناگهانی، سریع و گسترده آن به مناطق مختلف کشور و بروز خشونت‌های کور که در قالب



تغییرات شدت اعتراض از ۷ تا ۱۶ دی ۹۶ در سطح کشور

## اعتراض‌هایی از جنس دیگر



حسین راغفر، اقتصاددان

در سالگرد اعتراضات دی ماه سال گذشته باید به این مسأله اشاره کنم که با نزدیک شدن به روزهای پایانی سال و در شرایط کنونی جامعه، ما اعتراضاتی خواهیم داشت اما شکل آن احتمالاً متفاوت خواهد بود یعنی به شکل اعتراضات خیابانی شاید بروز نکند. این اعتراضات قطعاً اشکال مختلفی مثل سرخوردگی و آسیب‌های روحی ناشی از ناتوانی‌های مالی به خود خواهد گرفت. این مسأله به خصوص زمانی شدت خواهد گرفت که خانواده‌ها تقاضاهای نسبتاً متعارف و مشروعی دارند اما به علت افزایش شدید قیمت‌ها و فقدان هر گونه کنترل بر سیستم قیمت‌ها به آن دست پیدا نمی‌کنند و این طبیعتاً آسیب‌های روحی به دنبال دارد و افرادی که نمی‌توانند نیازهای خانواده خود را تأمین کنند، قاعدتاً دچار نارضایتی می‌شوند.

بنده مسئولیت همه این مشکلات را متوجه دولت و تصمیم‌گیرندگان می‌دانم، چرا که دولت نقش مهمی در کشور دارد و دستگاه‌های نظارتی دولت با وجود آنکه قیمت ارز نسبت به ماه‌های قبل کاهش پیدا کرد اما موفق به کاهش قیمت کالاها نشدند و این خود باعث به وجود آمدن نارضایتی مردم خواهد شد. حالا اینکه این نارضایتی‌ها به چه شکل خود را نشان دهد جای گفت‌وگو دارد. رشد افسردگی، رشد سرخوردگی، رشد خشونت و جرایم، فرار مغزها و مهاجرت همه، اشکال مختلفی از اعتراض هستند و البته اعتراضات خیابانی هم ممکن است شکل بگیرد و خیلی دور از ذهن نیست.

به هر صورت باید دانست مردم نسبت به موقعیت سیاسی و بین‌المللی کشور آگاهی دارند و اگر تاکنون هم اعتراضاتی شکل نگرفته، ناشی از همین مسأله است یعنی ناشی از آگاهی مردم نسبت به شرایط حساسی که جامعه در آن قرار دارد ولی این موضوع به معنای آن نیست که اگر نکته‌ای و اعتراضی مطرح نمی‌شود، رضایت خاطر هم وجود دارد.

قطعاً مردم از این شرایط اقتصادی کنونی که عمدتاً محصول سیاست‌های غلط دولت با همراهی و همکاری مجلس و سایر دستگاه‌ها است، رضایت ندارند و شاید بیش از هر زمان دیگری در طول چهار دهه پس از انقلاب است که ما شاهد رشد دستوری قیمت‌ها هستیم و عملاً هزینه آن هم از جیب مردم و به ویژه طبقه‌های متوسط و پایین جامعه تأمین می‌شود و این اقشار هستند که بیشترین آسیب را متحمل می‌شوند.

در خصوص تغییرات صورت گرفته در تیم اقتصادی دولت هم این مسأله قابل تأکید است که ما از آغاز هم گفتیم که رفت و آمد افراد خیلی تعیین‌کننده نخواهد بود چرا که اصلاح سیاست‌ها باید در دستور کار قرار بگیرد و تاکنون هم هیچ فعالیتی در این راستا صورت نپذیرفته است.

در مورد سیاست‌های بانک مرکزی نیز آنچه مشاهده می‌شود عملاً تداوم همان سیاست‌های پنج سال گذشته رئیس پیشین این نهاد است و گزارش‌هایی هم که در این باره به صورت منظم منتشر می‌شود، بیانگر همین موضوع است.

شهرستان‌ها) که در برخی از شهرستان‌ها نیز این آمار به بیش از ۶۰ درصد افزایش یافته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که دست کم ۲۰ نفر در شش شهرستان کشته شده‌اند که شامل ۱۰ نفر در شهرستان‌های خمینی شهر، نجف‌آباد و فلاورجان در استان اصفهان، دو نفر در شهرستان ایزه استان خوزستان، شش نفر در شهرستان دورود استان لرستان و پنج نفر در شهرستان تویسرکان استان همدان بوده‌اند. گزارش‌های جمعیت‌شناسی نشان می‌دهد بروز خشونت بیشتر در شهرستان‌هایی که نرخ بیکاری زیادی داشته‌اند، بیشتر بوده است. به طور مثال، در شهرستان‌های دورود و ایزه، بیکاری بسیار بیشتر از نرخ کشوری بوده و شهرستان تویسرکان هم بیکاری از میانگین بیکاری جوانان در کشور بوده است. در استان اصفهان هم این آمار همانند نرخ کشوری بوده است. مشارکت سیاسی این شش شهرستان نیز با دیگر شهرستان‌هایی که درگیر ناآرامی‌ها بوده‌اند، متفاوت است. به طور مثال هر چند که در ایزه، درود، خمینی شهر، نجف‌آباد و فلاورجان نرخ مشارکت سیاسی در دوازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری در اردیبهشت سال ۹۶ از ۷۰ درصد بیشتر بوده، اما می‌بینیم که این شهرستان‌ها، نسبت به سایر دیگر مناطق از مشارکت سیاسی کمتری در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ برخوردار بوده‌اند.

همچنین نجف‌آباد، فلاورجان، خمینی شهر و ایزه تحت تأثیر شدید خشکسالی در دو سال گذشته بوده‌اند که این مسأله به بروز خشونت‌های دیگری مانند حمله به لوله‌های انتقال آب زاینده‌رود به یزد نمود یافته است، بنابراین به نظر می‌رسد که پایین بودن مشارکت سیاسی، بیکاری و خشکسالی در بروز خشونت‌ها موثر بوده است.

از سوی دیگر، تحلیل‌ها براساس مقیاس استانی، نشان می‌دهد که خشونت‌های اتفاق افتاده در استان‌هایی رخ داده که دارای شهرستان‌های ناآرام‌تری بوده‌اند. همچنین آن استان‌ها از نظر بازه زمانی، ناآرامی‌های بیشتری داشته است که بدین ترتیب استان‌های خوزستان و اصفهان با فاصله بسیار زیادی نسبت به سایر استان‌ها، در رتبه نخست قرار گرفته است و استان‌های لرستان، همدان و البرز در رتبه‌های بعد در واقع اعتراضات در اصفهان، خوزستان و همدان و تا حدی لرستان، استمرار بیشتری به سایر دیگر استان‌ها داشته است.

از طرف دیگر، با فاصله کمتری نسبت به زمان شروع اعتراضات ناآرامی‌ها به این استان‌ها تسری یافته است یعنی با وجود آنکه اعتراضات ابتدا در شمال شرق کشور (مشهد، نیشابور، کاشمر و شاهرود) و همچنین یزد گزارش شد اما ناآرامی در این مناطق بسیار زود فروکش کرد و با وجود آنکه ناآرامی‌ها پس از مدتی به استان‌های اصفهان، خوزستان، همدان و لرستان کشیده شد اما در این مناطق هم شهرستان‌های بیشتری را درگیر خود ساخته و هم استمرار بیشتری از لحاظ زمانی پیدا کرده است و ما به نوعی شاهد تغییر جغرافیایی اعتراضات بودیم.

عوامل اصلی و موثر مهاجرت‌ها از روستاها به شهرستان‌ها، از شهرستان‌ها به مراکز استان‌ها و پایتخت محسوب می‌شود که می‌تواند موجب ایجاد و گسترش حاشیه‌نشینی شود که به تبع این مسأله، خود منجر به گسترش خشونت و گسترش آسیب‌های اجتماعی مختلف همانند بزهکاری، فحشا و اعتیاد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت ایران در بهترین حالت در وضعیت گذار به نوعی پایداری در بیکاری رسیده است و بیکاری و افزایش گرانی‌ها نیز خود منجر به وجود آمدن نوعی نابرابری اقتصادی شده است.

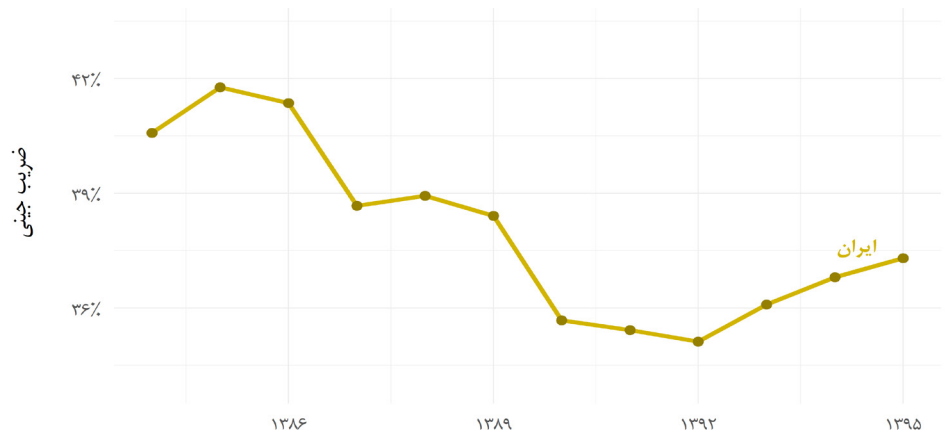
این مسأله را می‌توان از ضریب جینی که برای نشان دادن توزیع ثروت در یک منطقه استفاده می‌شود، فهمید. بالا بودن آن شاخص از بالا بودن اختلافات طبقاتی و نابرابری درآمدی حکایت می‌کند و بالعکس در صورتی که ضریب جینی پایین باشد، این شاخص نشان می‌دهد که اختلافات طبقاتی و نابرابری درآمدی کاهش یافته است. مطابق آمار منتشر شده ضریب جینی در سال ۹۵، بیش از ۰.۳۷ بوده که این مسأله در پدیدار شدن احساس ناعادالتی، تبعیض، یاس و ناامیدی از یک سو و سرکوب امیال و ایجاد بی‌انگیزگی برای کارآفرینی در جوانان از سوی دیگر، منجر شده است.

همچنین تغییرات اقلیمی و گرم‌تر شدن زمین موجب افزایش خشکسالی و کمبود آب شده است. این مسأله فارغ از آنکه می‌تواند به افزایش مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک منجر شود، به بیکاری در مناطقی که حرفه و پیشه اصلی مردم فلاحت و کشاورزی است، دامن زده و موجب تغییر در ترکیب نوع حرفه کاری در میان جوانان و میان‌سالان شده است. براساس آمارهای ارائه شده میانگین بارش سالانه طی ۱۰ سال گذشته از ۲۲۹ میلی‌متر به ۱۸۶ میلی‌متر در سال کاهش یافته که این مسأله، جدا از تغییر الگوی بلندمدت بارش‌هاست.

### عوامل موثر در روند اعتراضات در سطح شهرستان‌ها

آیا در اعتراضات و ناآرامی‌هایی که در ۷۷ شهرستان طی دی ماه سال گذشته به وجود آمد، ویژگی مشترکی وجود دارد؟ در ناآرامی‌های گزارش شده سال گذشته، خشونت‌ها و اعتراضات اغلب در مراکز استان‌ها و شهرستان‌هایی اعلام شده است که دارای جمعیت بالای ۱۰۰ هزار نفر جمعیت بوده‌اند و اعتراضات در شهرهای کوچک انگشت‌شمار گزارش شده‌اند. در واقع به نظر می‌رسد در شهرهای بالای ۱۰۰ هزار نفر آسیب‌های اجتماعی از یک سو و وجود یک نوع التهاب عمومی ناشی از نابه‌سامانی‌های اجتماعی و اقتصادی منجر به بروز خشونت شده است. از ۳۱ استان، ۳۰ استان درگیر اعتراضات و ناآرامی‌ها شدند. از ۱۰ شهرستان بزرگ کشور، همه آنها رنگ ناآرامی را به خود دیده‌اند و از ۵۰ شهرستان بزرگ دیگر، ۳۵ شهرستان ناآرامی گزارش شده است.

بررسی‌ها نشان می‌دهد که بیکاری در شهرستان‌ها به وضعیت هشدار رسیده است (بیش از ۳۰ درصد از عمده



تغییرات ضریب جینی ایران از ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۵، مرکز آمار ایران

عضو موسسه عالی مطالعات بین‌المللی ژنو:

# ترامپ از ناآرامی‌ها برای توجیه خروج از برجام استفاده کرد

◀ محمد بن سلمان مدتی قبل از بروز ناآرامی‌ها در ایران گفته بود عربستان جنگ و درگیری را به صحنه داخلی ایران منتقل می‌کند. از سوی دیگر، شاهد این بود که رسانه‌های عربی به ویژه سعودی بسیار برجسته این تحولات را تحلیل می‌کردند. آیا این صحبت می‌تواند سندی باشد که عربستان در این قضا با دست دارد و آیا ایران بر پایه آن سخنان، می‌تواند از عربستان در محاکم بین‌المللی شکایتی انجام دهد؟

عربستان سعودی سال‌هاست از طریق ایجاد لابی‌های قدرتمند در پایتخت‌های غربی، ایجاد شبکه‌های رسانه‌ای، حمایت مالی و لجستیکی از شخصیت‌ها و گروه‌های متخاصم، مانع تراشی در مذاکرات تهران و جهان و اقدامات دیگر، به صورت سیستماتیک و گسترده در امور داخلی ایران دخالت کرده است. به عبارت دیگر، شواهد و مستندات زیادی از فعالیت‌های بی‌ثبات‌کننده و مداخلات عربستان سعودی در امور ایران وجود دارد که اظهارات مشهور محمد بن سلمان تنها یکی از آنها است. اما اگر از منظر «حقوقی» قضیه را بررسی کنیم، در سطح بین‌المللی هیچ محکمه یا دادگاهی وجود ندارد که ایران بتواند با استناد به این شواهد از عربستان سعودی شکایت کند. این موارد دفاعی‌تر از شورای امنیت سازمان ملل قابل طرح است که آنجا نیز حمایت و توتی آمریکا معمولاً مانع تلاش‌ها می‌شود. راه‌حل نهایی این است که ایران و عربستان سعودی موارد مورد اختلاف را در چارچوب مذاکرات دو جانبه حل و فصل کنند و احیاناً با انعقاد یک معاهده جامع و چندوجهی شرایط عادی‌تری نسبت به یکدیگر برقرار کنند که ظاهراً ریاض فعلاً تمایلی به این رویکرد ندارد.

◀ در همان روزهای نخست ناآرامی‌ها در ایران شاهد برگزاری نشست شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست آمریکا با موضوع ایران بودیم. هدفی که دولت آمریکا در آن مقطع دنبال می‌کرد، چه بود و تا چه اندازه توانست اجماع بین‌المللی را علیه ایران شکل دهد؟

تلاش آمریکا این بود که یک موضوع داخلی در ایران را به یک موضوع بین‌المللی و امنیتی تبدیل کند، ضمن اینکه با ایجاد جنجال تبلیغاتی، دولت‌های اروپایی را نیز به مقابله با دولت ایران وادار کند تا روابط فی‌مابین را دچار تنش کند. از آنجا که دولت روحانی اهتمام و موفقیت زیادی در «عادی‌سازی وجهه ایران» داشته است، تلاش نماینده آمریکا برای منزوی‌سازی و فشار به ایران در شورای امنیت ناکام ماند. معتقدم اگر این اتفاق در دولت قبل که هیچ توجیهی به عادی‌سازی وجهه کشور نداشت، رخ داده بود یا اگر این اتفاق پیش از برجام صورت می‌گرفت، آمریکا در ایجاد ائتلاف علیه ایران موفقیت بیشتری کسب می‌کرد.

◀ با توجه به اینکه حلقه نزدیک دونالد ترامپ را افرادی نظیر جان بوتون تشکیل می‌دهند که صریحاً براندازی نظام ایران سخن گفته‌اند، آیا می‌توانیم بگوییم که دولت ترامپ در صدد سوءاستفاده از آن تجمعات برای براندازی نظام ایران بود؟

دولت ترامپ از تجمعات استفاده کرد تا خروج از برجام و وضع مجدد تحریم‌ها را این بار با شعار «حمایت از مردم ایران» یا «شنیدن صدای مردم ایران» توجیه کند. حلقه تندروهای اطراف او هم با استناد به همین تجمعات، او را متقاعد کردند که وضعیت ایران به قدری شکننده است که می‌شود با اعمال و تشدید تحریم‌ها در مدت کوتاهی تهران را به زانو درآورد. در واقع، این تجمعات دولت ترامپ را به تداوم و تشدید سیاست «فشار حداکثری» تشویق کرد و حتی موجب شد آقای پمپئو از طریق ایجاد «گروه اقدام ایران» به صورت جدی‌تری این سیاست را دنبال کند. از طرف دیگر، این تجمعات یا دست کم برداشتی که از این تجمعات به کرسی نشست، سرمایه‌های شد در دست گروه‌های اپوزیسیون وابسته به عربستان سعودی و اسرائیل تا به اتکای آن، خود را در محافل قدرت در واشنگتن مطرح کنند. اینها مجموع سوءاستفاده‌هایی است که دولت ترامپ و حلقه ایران‌ستیزان اطراف او انجام دادند.

◀ آیا مواضع حمایت‌جویانه دولت آمریکا برخلاف تعهدات طرفین از جمله پیمان مودت که در آن زمان ایالات متحده از آن خارج نشده بود و قرارداد الجزایر نبود؟

همان‌طور که اشاره کردید موضع‌گیری دولت آمریکا برخلاف عهدنامه الجزایر ۱۹۸۱ بین دو کشور است که در آن ایالات متحده به صراحت متعهد شده از مداخله سیاسی و نظامی در امور ایران پرهیز کند، موضوعی که دفتر نمایندگی ایران در سازمان ملل نیز در سال گذشته به صورت رسمی به آن اشاره کرد. علاوه بر آن، عملکرد دولت آمریکا با موازین منشور سازمان ملل و عرف حاکم بر روابط بین‌المللی نیز کاملاً مغایرت دارد.

◀ طی هفته‌های گذشته شاهد تجمعات خشونت‌آمیز در پاریس و دیگر شهرهای فرانسه بودیم اما مشاهده کردیم که کشورهای غربی آن واکنشی که درباره ایران داشتند را در این باره بیان نکردند و شورای امنیتی هم تشکیل جلسه نداد. آیا شورای امنیت نمی‌تواند مستقلاً به خصوص این ماجرا ورود داشته باشد؟

البته شورای امنیت در این دو موضوع برخورد دوگانه نداشت. در مورد ایران، دولت آمریکا از حق خود به عنوان یک عضو دائم شورای امنیت سوءاستفاده کرد تا تشکیل جلسه دهد اما آن جلسه نه تنها به هیچ قطعنامه یا بیانیه‌ای علیه ایران منتهی نشد بلکه در عمل به جلسه مواخذه آمریکا به خاطر این سوءاستفاده مبدل شد. در نتیجه، تلاش آمریکا برای سوق دادن شورای امنیت به برخورد دوگانه ناکام ماند.

محمد ابراهیم ترقی نژاد | تجمعات اعتراضی سال گذشته در ایران، هنوز آنچنان گسترش نیافته بود که رسانه‌های غربی و عربی با آب و تاب به انعکاس پرداختند و این تجمعات را برجسته کردند. پس از چند روز، نماینده آمریکا در سازمان ملل متحد خواستار تشکیل جلسه شورای امنیت برای برخورد با ایران شد، جلسه‌ای که البته همانند جلسات پیشین تبدیل به جلسه مواخذه آمریکا تبدیل شد. ابعاد بین‌المللی ناآرامی‌های سال گذشته در ایران، موضوع گفت‌وگوی «توسعه ایرانی» با رضا نصری، عضو موسسه عالی مطالعات بین‌المللی ژنو و کارشناس ارشد مسائل حقوق بین‌المللی و سیاست خارجی است که مشروح آن در ادامه می‌آید.



◀ سال گذشته شاهد تجمعات اعتراضی در کشور بودیم. برخی ریشه آن را در نابسامانی‌های اقتصادی می‌دانستند و برخی آن را مبتنی بر تحریکات صورت گرفته از خارج ارزیابی می‌کردند. سوال این است که ناآرامی‌های سال پیش در ایران چقدر ریشه در خارج از کشور دارد؟

در همه جای دنیا از جمله ایران، اعتراض عمومی از «نارضایتی» عمومی می‌آید و پدیده نارضایتی هم معمولاً دلایل و محرک‌های مختلفی دارد. در ایران همواره بخشی از نارضایتی اصیل بومی بوده و ریشه در مناسبات و سوءمدیریت‌ها و وضعیت داخلی کشور دارد. بخشی از آن هم قطعاً القائی است و ریشه در فضای تبلیغاتی گسترده‌ای دارد که سال‌هاست گریبان کشور را گرفته و به تدریج بر تحلیل‌ها و ارزیابی‌های افکار عمومی از وضعیت کلی کشور تأثیر گذاشته است. به هیچ وجه منکر مشکلات عدیده و جدی در داخل کشور نیستیم اما محرک‌های خارجی را هم نمی‌شود دست کم گرفت. به عنوان مثال، اگر عده‌ای به حق معترض باشند که در ایران فلان مشکل وجود دارد، شبکه وسیعی از رسانه‌های فارسی‌زبان از خارج از کشور به کار می‌افتد تا به طور سیستماتیک و با به کارگیری ترفندهای رسانه‌ای به افکار عمومی این‌طور القاء کند که نه تنها این مشکل در ایران وجود دارد و نه تنها این مشکل در ایران راه‌حل مدنی و مسالمت‌آمیز ندارد، بلکه «فقط و فقط» هم این مشکل در ایران وجود دارد! طبیعتاً وقتی بخشی از جامعه به این باور برسد که ایران استثناست، به بن‌بست رسیده و هیچ کشور دیگری با مشکلات مشابه مواجه نیست یا دست به اعتراضات ساختار شکنانه می‌زند یا تلاش می‌کند مهاجرت کند یا یک پرونده جعلی پناهندگی در دست، خود را به نزدیک‌ترین اردوگاه در میان جنگ‌زده‌های سوریه، لیبی و سودان می‌رساند!

◀ بروز آشوب و ناآرامی در داخل مرزهای جمهوری اسلامی از چه منظری مورد توجه برخی کشورهای منطقه قرار گرفته و پیامدهای آن چیست؟

عصر کنونی، وضعیت منطقه و موقعیت جغرافیایی ایران به گونه‌ای است که هر گاه «قدرت مرکزی» در پایتخت تضعیف شود، تمامیت ارضی کشور، امنیت و پیوستگی جامعه هم به مخاطره می‌افتد. این اتفاق الزاماً در همه کشورها رخ نمی‌دهد. به عنوان مثال، اگر دولت کنونی فرانسه یک سال دیگر هم تمام نیرو و منابع خود را معطوف به رسیدگی به درگیری‌های خیابانی در پاریس و شهرهای بزرگ کند، احتمال اینکه گروه‌های شبه‌نظامی مسلح از مرز آلمان، بلژیک، سوئیس و اسپانیا وارد نواحی مرزی شوند و با دولت مرکزی و یکدیگر به جنگ‌های نیابتی بپردازند، قریب به صفر است! اما وضعیت ایران این گونه نیست. ایران محصور ده‌ها گروه شبه‌نظامی تروریستی در مرزهای غربی و شرقی خود است که گاه به نیابت از یک دولت خارجی و گاه به صورت مستقل و بدون کوچک‌ترین تعلق خاطر به عرف و قوانین بین‌المللی، وارد مناسبات منطقه‌ای شده‌اند و منتظر نشستند تا قدرت مرکزی ایران تضعیف شود. در واقع، ایران امروز نه تنها با رقبای دولتی مانند عربستان سعودی مواجه است که بعضاً حتی به صورت رسمی مدعیات ارضی نسبت به خاک کشور دارند، بلکه در عصر و منطقه باز یگران غیردولتی (Non-state actors) نیز قرار دارد و این حقیقتی است که نمی‌شود نادیده گرفت. دولت‌های متخاصم هم به این حقیقت واقف هستند و طبیعتاً در برنامه‌ریزی‌های خود آن را لحاظ می‌کنند. لازم است دولت و مردم ایران نیز نسبت به این وضعیت خاص حساسیت بیشتری داشته باشند و به تبع در حل و فصل مسالمت‌آمیز و مدنی مشکلات کشور تلاش مضاعف کنند.



عباس عبدی:

## ناکارآمدی صداوسیما در دی ماه ۱۹۶ اثبات شد

برشمرده بلکه مجموعه‌ای از عوامل دست به دست هم می‌دهند. این عوامل به شکلی مترکم و متداخل می‌شوند به این معنا که سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع همگی به شکلی سعی می‌کنند یکدیگر را در مشکلاتی که وجود دارد، تقویت کنند.

رئیس انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران با بیان اینکه فکر نمی‌کنم که در این مشکلات بشود عوامل را متمایز کرد، تصریح کرد: اگر بر فرض ضعیف یک حکومت بتواند وضعیت اقتصادی مردم خود را ارتقا دهد، مردم هم با فرهنگ و سیاست‌های اجتماعی رسمی زیاد تعارضی نخواهند داشت ولی اگر حکومتی این قدر طرفدار مردم خود است که بتواند دنبال این باشد که رفاه را برای مردم درست کند، طبیعاً با فرهنگ و سیاست و اجتماع آن مردم هم تعارض نخواهد داشت. در نتیجه این مشکلات نتیجه عوامل گوناگون جامعه است که هر کدام از گروه‌های جامعه با ساختارها از یک منظر دچار مشکل شده است.

عبدی در پاسخ به سوالی مبنی بر اینکه جایگاه رسانه و فضای مجازی را در اعتراضات مردم چطور ارزیابی می‌کنید و فکر می‌کنید این فضا چه ظرفیت‌هایی با خود به همراه آورده است، گفت: این اعتراضات ناشی از گسترش فضای مجازی نبود بلکه ناکارآمدی رسانه رسمی را نشان داد و آن را به حاشیه برد، نه اینکه گسترش فضای مجازی عامل اغتشاش بوده باشد.

وی تأکید کرد: این وقایع نشان داد که فضای رسانه‌ای و مولفه‌های دیگر سیستم ناکارآمد است و نمی‌تواند کاری را انجام دهند. مردم از طریق فضای مجازی به رسانه آزاد دست پیدا کردند و با هم ارتباط گرفتند و افکار و عقاید و اخبار خود را مبادله و مطرح کردند. طبیعاً شکافی که بین مردم و دولت و حکومت به وجود آمده بود، دیر یا زود از یک جایی بروز پیدا می‌کرد.

عبدی در پایان گفت: بنابراین آنچه را که باید تأکید کنیم این است که فضای مجازی، فرصتی بسیار خوب برای دولت و حکومت و مردم ایران است که به وجود آمده تا بتواند آزادی رسانه را تجربه و مزه‌مزه کنند و امیدواریم که این فضا بهبود پیدا کند اما اگر قرار باشد رسانه رسمی و به طور مشخص صداوسیما هم گام و همپا با فضای مجازی متحول نشود این بحران به شکل دیگری دیر یا زود خودش را نشان خواهد داد.

این فعال سیاسی اصلاح‌طلب در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید چرا اعتماد و صبر مردم نسبت به دوران اوایل انقلاب دستخوش تغییر شده و حوادثی از جمله اعتراضات دی ماه رقم می‌خورد، ابراز داشت: اینکه مردم می‌توانند شرایط سختی را پشت سر بگذارند فقط ناشی از خوب یا بد بودن وضع مادی جامعه نیست. مردم اگر به لحاظ روانی آمادگی داشته باشند، با بدترین شرایط هم مقابله می‌کنند و آن را پشت سر می‌گذارند. وی در ادامه با اشاره به رویکرد اتحاد جماهیر شوروی در جنگ جهانی دوم عنوان کرد: شوروی در آن زمان فلاکت و هشتانگی را تحمل کرد تا در جنگ پیروز شد به نحوی که بعضی جاها تا دو یا سه سال در محاصره مطلق بودند. حتی مرده‌های همدیگر را می‌خوردند و سگ و گربه می‌خوردند ولی با این وجود مقاومت کردند اما در سال‌های ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ که به هیچ وجه چنین شرایطی وجود نداشت و رفاه نسبی در آن کشور وجود داشت، قضیه برای اتحاد جماهیر شوروی به شکلی دیگر رقم خورد.

این روزنامه‌نگار با سابقه با طرح این پرسش که چرا شرایط برای اتحاد جماهیر شوروی این چنین با تغییر مواجه شد، گفت: به این دلیل که این واکنش‌ها در موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی متفاوت است و ما به هیچ وجه نمی‌توانیم آن دورا با هم مقایسه کنیم. عبدی افزود: برای درک وضعیت ما کافی است بگویم که طی هشت سال ریاست جمهوری محمود احمدی‌نژاد بیش از ۸۰۰ میلیارد دلار درآمدهای نفتی داشتیم که در پی آن مردم انتظار بهبود اقتصادشان را داشتند ولی می‌دیدند که شغل ایجاد نشده و مشکلات و مسائل دیگر نیز همچنان وجود دارد. اوایل انقلاب و در زمان جنگ که با این مشکلات دست و پنجه نرم می‌شد، کل درآمدهای دولت در یک سال رقم بسیار ناچیزی بود و در عین حال حداقل نیازهای ضروری مردم را نیز تأمین می‌کردند، در نتیجه مردم اینها را با هم مقایسه می‌کنند و انتظارات متفاوت و رفتارهای گوناگونی از خود بروز می‌دهند. وی در پاسخ به این سوال که فکر می‌کنید ریشه ناآرامی‌های دی ماه سال گذشته ریشه در مشکلات معیشتی مردم داشت یا ناشی از بی‌اعتمادی عمومی بود، گفت: در ایران نمی‌شود یکی از این نوع عوامل را به عنوان ریشه‌نهایی و اصلی مشکلات

یک فعال سیاسی اصلاح‌طلب در برشمردن علل ایجاد اعتراضات در کشور با بیان اینکه نمی‌شود تنها یک دلیل را به عنوان علل مشکلات بیان کرد، گفت: مجموعه‌ای از مشکلات دست به دست هم می‌دهند به این معنا که سیاست، اقتصاد، فرهنگ و اجتماع همگی به شکلی سعی می‌کنند یکدیگر را در مشکلاتی که وجود دارد، تقویت کنند. اگر قرار باشد رسانه رسمی و به طور مشخص صداوسیما، هم گام و هم‌پا با فضای مجازی متحول نشود این بحران به شکل دیگری دیر یا زود خودش را نشان خواهد داد.

عباس عبدی در گفت‌وگو با روزنامه «توسعه ایرانی» در ارزیابی خود از مقایسه شرایط امروز جامعه و دوران اول انقلاب گفت: هم به لحاظ عینی و هم به لحاظ عدد و رقم، شرایط امروز کشور ما مثل گذشته نیست ولی شاید به لحاظ حس و برداشتی که مردم دارند، حتی شرایط امروز بدتر هم تلقی شود چرا که اول انقلاب مردم با مسائلی از جمله جنگ و مشکلات بعد از انقلاب درگیر بودند که به لحاظ ذهنی آمادگی داشتند که با یک شرایط سخت‌تری مواجه شوند. ضمن اینکه مشکلات بازتاب رسانه‌ای نیز نداشت ولی امروز شبکه‌های مجازی این انسداد را بر داشته‌اند.

وی تأکید کرد: از طرف دیگر در اوایل انقلاب، مساله فساد و تجمل‌گرایی وجود نداشت. حتی کسانی که خودروهایی مدل بالا داشتند سعی می‌کردند آن را با خودشان بیرون نیاورند و احتمالاً پیکان یا رنو یا ماشین‌های متوسط آن زمان را سوار بشوند ولی الان اینطوری نیست و برعکس است. در نتیجه به لحاظ انتظارات و ذهنیت مردم، قطعاً شکاف آن با واقعیت افزایش پیدا کرده است و آنچه موجب چنین برداشتی در سوال شماست، ناشی از همین واقعیت است.

رئیس انجمن روزنامه‌نگاران استان تهران خاطر نشان کرد: در نتیجه می‌خواهم بگویم که زیاد در مقام این نباشید که وضعیت عینی ما را با زمان اول انقلاب و زمان جنگ مقایسه کنید چرا که کافی است وضعیت ذهنی و حسی مردم را در شرایط فعلی با آن زمان مقایسه کنید. فکر می‌کنم وضعیت کنونی اصلاً مناسب نیست و در مقایسه با آن زمان هم به هیچ وجه قابل قیاس نخواهد بود.

یک نماینده اصولگرای مجلس:

## تهدید امنیت اجتماعی و سیاسی، شوخی بردار نیست

نوروزی در پاسخ به این سوال که در سال ۸۸ با اینکه دامنه اعتراضات عمیق‌تر بود اما حکم برخی از آنان پس از مدتی مورد بازنگری و حتی عفو قرار گرفت. حال آیا برای بازداشتی‌های دی‌ماه هم می‌تواند این امید وجود داشته باشد یا نه، گفت: در آن زمان هم محکومان بعد از گذشت یکی دو سال مورد عفو قرار گرفتند. اینجا هم همین است. اگر متحول شوند طبیعتاً عفو شامل حالشان می‌شود. به همین زودی نمی‌شود اما انجام می‌شود.

وی در پایان تصریح کرد: خواهش می‌کنم از همه جوانان، سیاسیون و افراد که قدر نظام و مملکت خود را بدانند. مملکت خوب و درستی داریم و همه اهل قلم و اهل فکر و اندیشه و همچنین حقوق‌دانان سعی کنند نظرات خودشان را در مجلس و شورای شهر و... مطرح کنند و در دولت قرار بگیرند و کار کنند. اگر بحث انتقادی هم وجود دارد در یک فضای باز در یک مقاله برای نمایندگان و دولت و رهبری و قوه قضائیه بنویسند تا اصلاح شود، اما اینکه عده‌ای شعار بدهند به شکل آنارشیسم و هرج و مرج کنند و بعد هم بگویند رضاشاه روح شاد این نمی‌شود.

که برای معاونین محیط زیست در موضوع دوتابعیتی‌ها پیش آمد و چه بحث به هم زدن نظم عمومی باشد که امنیت اجتماعی و سیاسی را تهدید می‌کند، مواردی است که قابل شوخی نیست.

این عضو کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس ابراز داشت: اگر کسی حرفی دارد باید در یک نطق آزاد یا در روزنامه و جراید اعتراض خود را بگوید. در مملکت ایران دموکراسی حاکم است و آزادی تمام هست. الان مجلس حرف می‌زند و سخنرانان هم حرف می‌زنند. گاهی اوقات افرادی محکوم می‌شوند ولی در ادامه اعتراض می‌کنند و تبریته می‌گیرند.

این نماینده اصولگرای مجلس دهم عنوان کرد: این عده بالاخره به خیابان آمدند و امنیت ملی را تهدید کردند و باید محاکمه بشوند و اگر در زندان و... به آنها اجحاف شده راه باز است، اعمال ماده ۴۷۷، درخواست عفو و گذشت وجود دارد. در شرایط زندان اگر متحول شوند طبیعتاً قابل بخشش می‌شوند. بحث امنیت به ویژه برای ایران در شرایطی که دشمنانش دارند تهدیدش می‌کنند به گونه‌ای است نمی‌توان با آن شوخی کرد.

یک عضو کمیسیون قضایی مجلس با اشاره به بازداشتی‌های حوادث دی‌ماه پارسال گفت: آنها به خیابان آمدند و امنیت ملی را تهدید کردند و باید محاکمه بشوند. البته اگر در زندان و... به آنها اجحاف شده، راه باز است و اعمال ماده ۴۷۷، درخواست عفو و گذشت وجود دارد. در شرایط زندان هم اگر متحول شوند، طبیعتاً قابل بخشش می‌شوند. بحث امنیت به ویژه برای ایران در شرایطی که دشمنانش دارند تهدیدش می‌کنند به گونه‌ای است که نمی‌توان با آن شوخی کرد.

حسن نوروزی درباره بازداشتی‌های حوادث دی‌ماه سال گذشته که احکام قضایی برای برخی از آنان صادر شده، در پاسخ به این سوال که آیا امکان این وجود دارد که مورد عفو قرار بگیرند یا در احکامشان تجدیدنظر شود، اظهار کرد: به هر حال با امنیت ملی نمی‌شود شوخی کرد. امیرالمومنین می‌فرمایند دو نعمت پنهان است؛ یکی سلامت و دیگری امنیت.

وی تأکید کرد: هر چه که امنیت ما را تهدید کند، چه بحث اقتصادی باشد مثل آنچه که برای آقای مظلومین و همکاری‌های اتفاق افتاد و چه بحث سیاسی باشد، مثل آنچه



استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران:

## نظام، اعتراض‌ها را هوشمندانه مدیریت کرد

مدرن نداشتند اما امروز فضای مجازی، رسانه‌ها، نظام سیاسی و ایدئولوژی انقلاب به مردم می‌گویند که مردمان باید در آسایش باشند و زندگی بهتری داشته باشند. همه ائمه جماعات از صبح تا شب شعار عدالت می‌دهند اما وقتی مردم زندگی واقعی را با این حرف‌ها مقایسه می‌کنند، می‌بینند دچار بی‌عدالتی شده‌اند. یکی از اقدامات این چهار دهه این بود که از روستاها مردم را به شهرها کشاند. مردم در شهرها، ابزار و امکانات شهری می‌خواهند؛ امنیت، تحصیل و کار می‌خواهند تا بتوانند زندگی متوسطی را داشته باشند اما برایشان فراهم نیست.

البته مردم در اعتراضاتشان به دنبال تغییر رژیم نبودند بلکه اعتراضاتشان برای این بود که معیشتشان کافی نیست و زندگی خوبی ندارند اما از آنجا که این اعتراض‌ها پاسخ داده نمی‌شود، اعتراض مردم به یک اعتراض سیاسی تبدیل می‌شود.

◀ رفتار دولت در طول دهه‌های اخیر با تجمعات اعتراضی را چگونه ارزیابی می‌کنید. برخی معتقدند مثلاً در دی ماه بخش عمده‌ای از مجموعه حکمرانی تلاش کرد با پختگی و منطق بیشتری نسبت به گذشته با تجمع کنندگان برخورد کند. این تغییر رفتار، به دلیل ریشه اعتراضات بود یا تغییر رفتار؟

تنها کاری که نظام سیاسی کرد رفتار غیرمداخله‌گرایانه در عرصه اعتراضات بود. این البته نشان از تغییر رفتار بخشی از نظام سیاسی است.

به نظر می‌آید که در دی ماه سال گذشته صورت گرفت و نشان از هوشمندی حوزه امنیت و اطلاعات کشور داشت این بود که در اعتراضات سال گذشته سعی کرد ماجرا را مدیریت کند تا مداخله، در حالی که در گذشته مداخله می‌کرد.

◀ این تغییر رفتار به دلیل ماهیت اقتصادی اعتراضات بود؟

نه. اتفاقاً در سال گذشته نیز شعار سیاسی در اعتراضات شنیده می‌شد اما معتقدم یک نوع پختگی در بین بخشی از نظام سیاسی اتفاق افتاده و اتفاقاً حوزه سیاسی، اعتراضات سال گذشته را تبدیل کرده به یک مطالبه معیشتی. سخنان مقام معظم رهبری هم در زمینه مطالبات معیشتی مردم بود و در حقیقت نظام سیاسی این اعتراضات را به مطالبات معیشتی تبدیل کرد و گر نه اعتراضات سیاسی بود و شعارهای تند سیاسی هم در

دست مسئولان است. از سوی دیگر توزیع نابرابر ثروت صورت گرفته و در نهایت مردم مهارت کسب کرده و نمی‌توانند از آن استفاده کنند بنابراین می‌گویند زندگی ما چه می‌شود؟

◀ برخی می‌گویند ما در گذشته شرایطی به مراتب سخت‌تر از این را پشت سر گذاشته‌ایم اما چه می‌شود که مردم در برهه‌ای از زمان مثل دی ماه یا در ماجرای هفت تپه دست به این رفتارهای اعتراضی می‌زنند؟

جامعه ایرانی به زندگی مدرن رسیده اما ابزار زندگی مدرن را در اختیار ندارد. همه مردم ایران را در طول ۴۰ سال در شهرها اسکان داده شدند اما یک زندگی شهری مناسب برای این افراد تهیه نشد. کسی که در شهر زندگی می‌کند باید ابزار زندگی شهری را در اختیار داشته باشد و به طور مثال بتواند از آب آشامیدنی و بهداشت استفاده کند و بتواند الگوی خانواده خود را خود تنظیم کند.

مردم دردی ماه ۹۶ اعتراضاتشان برای این بود که معیشتشان کافی نیست و زندگی خوبی ندارند اما از آنجا که به این اعتراض‌ها پاسخ کافی داده نمی‌شود، اعتراض مردم به یک اعتراض سیاسی تبدیل می‌شود

همچنین زمان ازدواجش را خودش تعیین کند و مهارت لازم را برای مشاغل که در زندگی می‌خواهد انجام دهد، کسب کند. اینها در زندگی شهری امروز ما وجود ندارد. افراد احساس می‌کنند که این ابزار را در اختیار ندارند و از آنجا که هم در معرض رسانه ملی و هم رسانه‌های جهانی هستند، مشاهده می‌کنند که صدا و سیما یک زندگی در حد متوسط را اشاعه می‌دهد اما رسانه جهانی می‌گوید جهان آباد است ولی این ابزار در اختیار مردم ایران قرار ندارد. این دو رسانه به مردم آگاهی می‌دهند و مردم وقتی می‌بینند در شهر زندگی می‌کنند و تحصیل کرده‌اند اما کاری برایشان وجود ندارد، معترض می‌شوند. البته باید توجه کنیم که پیش‌تر هم در ایران مردم بیکار بودند و در بیشتر مواقع افراد جامعه حدود شش ماه از سال کاری برای انجام دادن نداشتند، اما معترض نبودند چرا که در آن زمان فهمی از زندگی

جامعه ایرانی چه مطالباتی دارد و باید چگونه آنها را تحلیل کرد. تقی آزادارمکی، جامعه‌شناس ایرانی و استاد دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران در باره اتفاقات دی‌ماه سال ۹۶ به سوالات روزنامه «توسعه ایرانی» پاسخ داده است.

◀ برخی معتقدند ریشه مشکلات دی‌ماه گذشته مشکلات معیشتی بود و این موضوع باعث شد بدنه جامعه به نوعی عبور از دو جریان اصلی کشور را کلید بزند به گونه‌ای که در خردادهای بعد از این ماجرا شاهد رویگردانی مردم از اصلاح‌طلبان و اصولگرایان بودیم. ریشه این رفتار جامعه چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معتمد آنچه که در دی‌ماه سال ۹۶ اتفاق افتاد خیلی متفاوت از آنچه که در قدیم اتفاق می‌افتاد، نبود و تفاوت آن بیشتر در فراگیری این اتفاق بود. در گذشته این گونه اتفاقات بیشتر در یک شهر یا یک منطقه اتفاق می‌افتاد و مربوط به یک گروه خاص اجتماعی بود اما در دی‌ماه سال ۹۶ شهرهای بسیار زیادی را دیدیم که در یک مدت محدود درگیر این اتفاق شدند.

اساساً دغدغه اول مردم، سیاسی نیست و برایشان موضوعات سیاسی اهمیتی ندارد. فهم اکثریت مردم از سیاست، فهم اصلاح‌طلبی و اصولگرایی نیست. شاید ۱۵ درصد مردم اصلاح‌طلب و کمتر از این مقدار اصولگرا باشند و بقیه جامعه، جامعه طبیعی غیرسیاسی هستند و در صورتی که لازم باشد تنها یک روز رای می‌دهند اما در اکثر موارد اکثریت مردم زندگی عادی‌شان را دارند. حکمرانی موظف است این افراد را سر و سامان دهد اما گروه‌های سیاسی وقتی اعتراضات به شعار سیاسی تبدیل شد، به میدان آمدند و گفتند نه اصلاح‌طلب و نه اصولگرا در حالی که از ابتدا اعتراضات مبتنی بر معیشت مردم بود، یعنی کاری بود که مستاصل شده. از ابتدای انقلاب تا به امروز شاهد هستیم هر روز به مردم گفته می‌شود باید عدالت در ایران برقرار شود. همه، روحانیت، روشنفکران و مدیران از عدالت صحبت کردند ولی مردم کجا شهرهای دور افتاده با تهران متناسب هستند؟ مردم این مساله را می‌بینند و می‌شنوند و تا مدتی امور را به نمایندگان واگذار می‌کنند اما وقتی می‌بینند نماینده‌شان توانایی ندارد، خودشان وارد عمل می‌شوند.

در حقیقت مردم می‌گویند ما از زمان انقلاب فاصله گرفتیم. دشمن هم دیگر مانند زمان جنگ وجود ندارد و هر چه هست در

آن مطرح می‌شد. هوشمندی خوبی از سوی بخشی از نظام سیاسی اتفاق افتاد که مداخله نکرد و آن را مدیریت کرد و آن را تبدیل کرد به مطالبات معیشتی، در حالی که در اعتراضات سال گذشته، مطالبات مردم فقط محدود به معیشت نبود. البته این هوشمندی فقط در همان زمان بود و بعد از آن دیگر هیچ اقدامی نشد.

**◀ عده‌ای در هر اعتراض مدنی و صنفی تلاش می‌کنند گروه معترض را به ضدانقلاب نسبت دهند. به نظر شما، این رفتار باعث افزایش ناراضی‌ها و تحرک یک جامعه نخواهد شد؟**

در حادثه دی ماه سال گذشته، همه حاضر شدند و می‌خواستند پیروز هم بشوند. رسانه‌های بیگانه گروه‌های ضدانقلاب و ایادی دیگر کشورها نیز در این اتفاق حاضر شدند اما در ظهور این اتفاق، بیگانگان نقشی نداشتند و یک موضوع کاملاً اجتماعی بود. در این اتفاقات بیگانه به خودش مشروعیت می‌دهد و ایده فروپاشی را که در سر دارد مطرح می‌کند اما مداخله‌اش همیشه در این موارد باعث می‌شود این اتفاقات به موارد امنیتی تبدیل شود و مطالبات و درخواست مردم یک موضوع امنیتی تلقی شود، در صورتی که جامعه باید حق اعتراض داشته باشد. حق اعتراض چیز بدی نیست. در دنیا مردم حق اعتراض دارند. در همین اعتراضات فرانسه مگر چند نفر کشته شدند. ما باید حق اعتراض را قانونی کنیم و نیروهایی که بتوانند این اعتراضات را در اختیار بگیرند و آن را پاسخ دهند، داشته باشیم. حزب یکی از همین موارد است. نظام سیاسی کشور ما مخالف حزبی کردن است و همیشه می‌خواهد پوپولیستی عمل کند.

**◀ در اعتراضات سال‌های اخیر به ویژه در دی ماه، حضور قشر کمتر برخوردار جامعه پررنگ‌تر از بقیه ارزیابی می‌شود. آیا می‌توان این موضوع را به گسترش نابرابری در جامعه ارتباط داد؟**

اعتراضات سال ۸۸ اعتراضات سیاسی بود، برای همین از همه اقشار جامعه در آن دیده می‌شدند. در آن زمان گروهی می‌گفتند مورد ستم قرار گرفته‌اند و گروه دیگر می‌گفت چنین چیزی نیست. در سال ۹۶ ولی موضوع، مسأله جامعه بود. جامعه ما جامعه‌ای است که مورد ستم قرار گرفته است.

**◀ داده‌های گردآوری شده از دی ماه ۹۶، حاکی از پایین بودن متوسط سطح تحصیلات و سن تجمع‌کنندگان بود، ضمن اینکه اغلب ناراضی‌ها در شهرهایی با جمعیت زیر ۳۰۰ هزار نفر برگزار شد. ارزیابی شما از این داده‌ها چیست؟**

در اعتراضات سال گذشته افراد تحصیل کرده بیکار نیز وجود داشتند. مردم در معرض آگاهی اجتماعی هستند، مطالبات آنها مطالبات مدنی است و بسیار قابل دفاع است.

جامعه ما ترکیب جمعیتی جوان و نوجوان دارد و این چیز عجیبی نیست که جوانان در جامعه اعتراض کنند. از سوی دیگر مشکل معیشتی، مشکل عمومی جامعه است و جوان و پیر ندارد. همه این مشکل را دارند و ما همه گروه‌های سنی را در اعتراضات می‌بینیم، اما بیشتر جوانان را می‌بینیم چون او جوان است و بیکار. اعتراضات دی ماه در وهله اول یک ماجرای اجتماعی بود و بعد ظاهراً اقتصادی که نتیجه سیاسی داد که می‌تواند تکرار شود. نظام ما به لحاظ فرهنگی نظام ضد جوان است و جوان را آشوبگر تلقی می‌کند و معترض می‌داند و چون اعتراض را حقتش نمی‌دانیم از همین رو او را محاکمه می‌کنیم و این می‌تواند در آینده شرایط ما را بدتر کند.

**◀ از دی ماه سال گذشته موج جدیدی از فیلترینگ شبکه‌های کلید خورد. برخی معتقدند دلیل این اقدام عدم اقبال مردم به رسانه‌های داخلی اعم از چپ و راست بود. کاهش اعتماد مردم به رسانه‌ها چقدر ناشی از ضعف اطلاع‌رسانی در رسانه‌های داخلی و چقدر ناشی از رفتار**

**فرهنگی مردم در مواجهه با رسانه‌های بیگانه است؟**  
 برخی می‌خواهند فضای مجازی را محدود کنند اما نمی‌توانند. البته بیشتر به دنبال این هستند که از این فرصت برای ساختن فضای مجازی داخلی استفاده کنند. البته تقلا خوبی است و هر چند فضای مجازی خودش را با فیلتر شکن پیش می‌برد، بالاخره جامعه ما هم باید به سمت توسعه فضای مجازی داخلی پیش برود. این خوب است. نه اینکه فیلتر خوب باشد اما اینکه ما در فضای مجازی مصرف‌کننده نباشیم و خودمان هم از فضای مجازی برخوردار باشیم، خوب است. مردم از رسانه‌های داخلی عبور کردند و بازیشان در فضای مجازی است و خیلی وقت است که این تصمیم را گرفته‌اند. آن روزی که مدام دیش‌های ماهواره را جمع می‌کردند، امروز را نمی‌دیدند. کارشناسان مدام هشدار می‌دادند که دولت این اقدامات را انجام ندهد چرا که با این کار مردم تحقیر می‌شدند و این اقدامات شد یک موج ضد فضای صدا و سیما در ایران. اینکه فضای مجازی وجود دارد و ما پیش می‌رویم به این معنی نیست که فضای مجازی ضدحاکمیتی است، بلکه فضای مجازی هم ادامه زندگی مردم است و از این فضا هم استفاده می‌کنند اما نظام سیاسی باز هم همان روش قدیم را در پیش گرفته‌اند، با این تفاوت که در گذشته دیش‌های ماهواره را پایین می‌آوردند و امروز فیلتر می‌کنند. باید فضای مجازی داخلی را تقویت کرد و سرویس‌دهی مناسبی داشت تا مسیر آن را تغییر داد.

مردم به رسانه‌های بیگانه اعتماد بیشتری ندارند. اتفاقاً به این رسانه‌ها با نگاه ظن می‌نگرند اما آنها قابل دسترس‌تر و به‌روزتر هستند. اگر مردم به رسانه‌های بیگانه اعتماد داشتند امروز دین و ایمان خود را از دست می‌دادند. صدا و سیما یا مسأله اصلی را نمی‌گوید یا به گونه‌ای می‌گوید که در خبرها گم می‌شود. به طور مثال در ماجرای ۸۸ رسانه ملی چه اقدامی کرد، در حالی که رسانه‌های بیگانه از صبح تا شب به آن پرداختند.

**◀ چرا در اغلب تجمعاتی که در کشور برگزار می‌شود، مسئولان با اصل غافلگیری مواجه می‌شوند؟ آیا راهکاری برای پیشگیری مسالمت‌آمیز و مدنی وجود ندارد؟**

نظام سیاسی و سیستم امنیتی از تمامی این اعلان تجمعات در فضای مجازی مطلع می‌شود اما آن را جدی نمی‌گیرد و تصور می‌کند شاید بتوان این تجمعات را کنترل کرد. باید اجازه داد مردم اعتراض کنند و بعد از آن، مسئولی را که به وظیفه‌اش عمل نکرده، توبیخ کرد. سیستم قضایی و حقوقی این فرصت را فراهم نمی‌کند تا از کسی که خطا انجام داده بازخواست شود چرا که اگر از کسی بازخواست شود موضوع می‌شود سیاسی. دولت هم این اعتراضات را نمی‌فهمد و آن را جدی نگرفته و تصور می‌کند شوخی است و بعد شوخی شوخی، جامعه کار دست دولت می‌دهد.

**◀ در این میان چقدر باید میان اعتراضات صنفی و کاری با دیگر اعتراضات تفاوت قائل شد، هم در برخورد نهادهای رسمی با این تجمعات و هم در همراهی مردم با آنها.**

اعتراضات صنفی به سرعت سیاسی می‌شوند در حالی که اعتراضات سیاسی امکان تبدیل شدن به اعتراضات صنفی را ندارند. از این بابت اعتراضات صنفی خطرناک هستند و در همراهی مردم با این اعتراضات نیز باید تفاوت قائل شویم. دولت باید به اعتراضات صنفی، پاسخ صنفی دهد و در روش‌ها، مدیران، سیاست‌ها و... تغییر ایجاد کند اما این کار را نمی‌کند. بنابراین اعتراضات صنفی به اعتراضات سیاسی تبدیل می‌شود. اما در اعتراضات سیاسی گروه‌های سیاسی باید میان‌داری کنند و سیاستمداران باید ورود کنند اما سیاستمداری در کشور وجود ندارد که بتواند این بازی‌ها را بسازد. کنش‌گر سیاسی در کشور ما وجود ندارد. آقای ولایتی که خود را سوزاند، حداد عادل گمشده است، هاشمی رفسنجانی فوت کرده است، آقای توکلی که بیمار است و آقای خاتمی که در حصر است. کنش‌گر سیاسی‌ای که بتواند مسئولیت بپذیرد، در کشور وجود ندارد و وقتی کنش‌گر

سیاسی نباشد، اتفاقات عجیبی می‌تواند برای کشور رخ دهد.

**◀ به عنوان یک تحلیل‌گر مسائل اجتماعی، از نظر شما هشداردهنده‌ترین بحران کنونی کشور که ممکن است منجر به بروز اعتراضاتی در آینده شود، چیست؟**

فقر و نابرابری و عدم پاسخگویی به آن می‌تواند تهدید جدی برای جامعه ما باشد. بی‌مسئولیتی‌ها در باب سامان زندگی مردم می‌تواند تهدیدات جدی برای آینده جامعه ما باشد.

**◀ شما در جلسه جامعه‌شناسان با روحانی حضور داشتید. نظر تان درباره مشورت‌های نخبگان به دولت چیست؟**

ایده اصلی روحانی در دولت یازدهم بر جام بود. بر جام به هم خورد و گویی همه چیز تمام شد.

دولت ما، یک دولت کارشناسی نیست و دولتی سیاسی است بنابراین قرار نیست از نظرات کارشناسان اجتماعی استفاده کند. آن جلسه بیشتر یک شو بود و نباید این دیدار تأثیری در دولت داشته باشد چرا که دولت، دولت کارشناسی نیست و اصلاً شاکله اصلی حکومت سیاسی و ایدئولوژیک است.

**اعتراضات صنفی به سرعت سیاسی می‌شوند در حالی که اعتراضات سیاسی امکان تبدیل شدن به اعتراضات صنفی را ندارند. از این بابت اعتراضات صنفی خطرناک هستند و در همراهی مردم با این اعتراضات نیز باید تفاوت قائل شویم.**

**◀ در بحث آزادی تجمعات خلاء جدی در کشور احساس می‌شود. دولت بعد از حوادث دی ماه با تصویب لایحه‌ای برای تعیین اماکنی برای برگزاری تجمعات، تلاش کرد به نوعی به این روند سامان دهد اما بسیاری از فعالان مدنی با این توجیه که سازوکار مشخصی برای پیش‌بینی رفتار معترضان وجود ندارد و از طرفی سازوکار مشخصی هم برای تجمع در این اماکن پیش‌بینی نشده است، چندان به این رویه خوش بین نیستند. نظر شما در این مورد چیست؟**

دولت قبل از اعتراضات دی‌ماه طرح مکان‌های مشخص برای اعتراضات را مطرح کرد و بعد از اعتراضات دی‌ماه نیز دوباره آن را مطرح کرد اما آن را پیگیری نکرد. تعیین مکان برای اعتراضات هم بالاخره یک راه است که می‌تواند در آن اعتراضات را مطرح کرد. البته گفته می‌شود دولت از این طریق راحت‌تر می‌تواند معترضان را شناسایی کند. البته الان هم کنترل دارد اما وقتی تجمعات در این مکان‌ها تکرار شود دولت نمی‌تواند همه را بگیرد. وقتی همه مردم معترض باشند که نمی‌شود همه مردم را گرفت.

**◀ اگر بحث معیشتی را یکی از عوامل اصلی بروز تجمعات اخیر بدانیم، با توجه به پیش‌بینی‌هایی که درباره سال آینده وجود دارد، چه باید کرد؟**

باید راه برون‌رفت از تحریم وجود داشته باشد و نظام سیاسی آینده‌ای را طراحی کند که بدون ترامپ و بدون تحریم باشد. بخش اعظمی از افرادی که در خیابان‌ها تجمع می‌کنند، بخشی از گروه‌های سیاسی و نظام سیاسی هستند. آنها بی‌کمی بیرون هستند کارمندان دولت هستند. همان کارمندی که صبح در اداره سر کار است، عصر یادر جمع معترضان است یادر حاشیه معترضان است و خبرش را منتقل می‌کند. بنابراین این گونه نیست که یک نظام سیاسی مشکلی وجود داشته و از آن طرف مردم معارض. از همین رو است که اتفاقات می‌تواند به یک‌باره رویداد بزرگی در جامعه شکل دهد. جامعه می‌خواهد دامنه فعالیتش را نشان دهد و از موقعیتش استفاده کند. اتفاقات الان در فضای مجازی است. همه چیز در فضای مجازی شکل می‌گیرد، معنا پیدا می‌کند، محقق می‌شود، نتیجه می‌دهد و قضاوت هم می‌شود.

## ماموریت با درایت مدیریت با ظرافت



سعید منتظرالمهدی

این روزها شاهد اتفاقات متعدد و متنوع در حوزه‌های مختلف امنیتی، انتظامی و اجتماعی هستیم. سازمان‌هایی که به نوعی بر اساس ماموریت‌های محوله باید در هر سه حوزه فوق‌الذکر کنشگری و نقش آفرینی کنند، باید از یک چارچوب مستحکم و عقبه عقلائی و تجربی و اطلاعات مدور و روزآمد و کارآمد امروزی بهره‌مند باشند تا بتوانند هم‌زمان در این عرصه‌ها با کمترین خطا بیشترین بهره‌وری را داشته باشند. طبیعتاً این سازمان‌ها باید در لحظه، تصمیم‌گیری درستی داشته باشند و با یک استراتژی قابل اعتماد، به موقع عمل کنند و درنگ جایز نیست.

در این میان دستگاه‌هایی که دارای مدیران خوشفکر، باتجربه، آشنا با علوم مرتبط و در عین حال صاحب‌اندیشه راهبردی و یک نگاه فتوریسمی و آینده‌نگر و البته شجاع و با اعتماد به نفس بالا باشند، برنده میدان خواهند بود. چنین مدیرانی آن قدر باهوش هستند که برای تصمیم‌گیری‌های کلان، از ظرفیت‌های بی‌بدیل صاحبان عقل و خرد و اندیشه بهره‌مند شوند و با استفاده از مشاورینی که در حوزه‌های مختلف از جمله علوم شناختی که خود مشتمل از علم روانشناسی، جامعه‌شناسی، عصب‌شناسی، زبان‌شناسی و علم رایوتیک و هوش مصنوعی است، بر مسائل، آگاه و دستی بر آتش داشته باشند.

این مدیران با به کارگیری مدیران میان‌بانی و نیروهایی که تراز بر خوردار ایشان از برخی ویژگی‌های ادراکی (perceptual)، ذهنی (intellectual)، شناختی (cognitive)، دانشی (knowledge) و فرهنگی (cultural) و... بیش از میانگین نرمال جامعه است و دارای هوش بافتاری (اجتماعی، محیطی و فرهنگی) هستند، پیروز میدان‌های مختلف خواهند بود.

ظرافت، اساسی‌ترین مسأله مطرح شده در مدیریت امروزی است و نبود آن بزرگترین مانع موفقیت و موجب بیشتر ناکامی‌ها در ماموریت‌هاست که به اشتباه به گردن درایت گذاشته می‌شود. نهادهایی که برای کارها درشت مامور شده‌اند و برای مسئولیت‌های اجتماعی خود، تعهدنامه‌های مشارکت امضا کرده‌اند، گاهی در مرز بین مدیریت توأم با ظرافت و ماموریت‌مبندی بر درایت آشفته‌اند.

قریب به اتفاق مدیریتهای عاری از ظرافت، به جای پرداختن به برنامه‌استراتژیک، به تفکر و ایده‌های استراتژیک روی می‌آورند. امروزه، مردم زبان گویایی دارند، صاحب‌اندیشه‌اند و هزار بیت مثنوی را در دوبیتی‌های روزمره زندگی به تشخیص و انتخاب تفسیر می‌کنند و اگر بی‌واسطه و مولفه با آنان در ارتباط نبوده و گوش نشوناداشته باشیم، نمی‌توان از آنها انتظار مشارکت داشت. مسیر ناهموار ماموریت باید به درایت خودمدیر پیموده شود زیرا انجام ماموریت، چیزی نیست که مدیر صرفاً فرمان دهد و دیگران اجرا کنند. اگر یک مدیر بتواند ماموریت پیش‌رو را در درایتی ظریف تبیین کند، بی‌شک از بروز بحران نجات یافته‌است. اعتقاد دارم در شرایط جاری، ماموریت‌رادو گونه‌می‌توان مدیریت کرد؛ یک با قلم در ظرافت (کار بست اندیشه) و دو با تفنگ در خشونت (کار بست زور). منطق حاکم بر عقل را در مرحله نخست باید به کار بست و دستمایه مدیریت خود قرار داد و صرفاً برای باز اجتماعی کردن معدود افراد هنجار شکن و قانون‌گریز که به هیچ صراطی مستقیم نمی‌شوند، از کار بست زور استفاده می‌کند. بروز و ظهور وقایع اتفاقیه در این زمان، واقعیتی اجتناب‌ناپذیر در زندگی اجتماعی است که در ذات خود، بستر شکل‌گیری تهدیدها و فرصت‌هایی هستند که بر حسب نوع، شدت و گستره محیط بروز آن، می‌تواند نظام مدیریت را در شرایط انجام ماموریت دچار دشواری و مخاطره قرار دهد.

یادمان باشد که اصل مدیریت و هدایت در شرایط بحران،

سعید حسن مصطفوی منتظری، استاد دانشگاه تربیت مدرس:

## مشکلات اقتصادی ایران ریشه غیراقتصادی دارد

در مسائلی هم موفق بودیم ولی به خصوص نسل جدید، نسلی است که خیلی راحت می‌خواهد همه امکانات را در اختیار داشته باشد یعنی می‌خواهد ما به اندازه یک کشور جهان‌سومی کار کنیم اما به اندازه یک کشور پیشرفته جهان اول مصرف کنیم و این اصلاً امکان‌پذیر نیست.

این استاد اقتصاد با تأکید بر این موضوع که اگر بتوانیم اعتماد را برگردانیم، اتفاق خیلی خاصی تا پایان سال رخ نخواهد داد، گفت: اگر اعتماد نباشد، با رسیدن به آخر سال ممکن است قیمت‌ها افزایش پیدا کند و افزایش سفرهای خارجی می‌تواند بازار ارز را متلاطم کند. بحث کسری بودجه هم مزید بر علت می‌شود. نقدینگی زیادی به بازار تزریق شده که به هر حال تازه نبوده و مسبق به سابقه است اما می‌تواند مشکلات جدی ساختاری به وجود بیاورد.

وی در ادامه گفت: مواردی است که اقتصاد تحت تأثیر سایر دستگه‌ها قرار می‌گیرد یعنی عملاً مشکلات اقتصادی ما غیراقتصادی است و ریشه در بحث‌های غیر دارد.

وی در پاسخ به سؤالی درباره ارزیابی عملکرد دو ماه اخیر وزیر اقتصاد گفت: باید تلاش می‌کردیم تا آقای طیب‌نیا به هر نحوی در وزارت اقتصاد حفظ شود و بعد با هر قیمتی تلاش می‌کردیم بر جام که حاصل تعامل همه جریان‌های سیاسی کشور بود، حفظ می‌شد که اگر این دو در کنار هم بودند با افزایش سه برابری ارز و مشکلات اقتصادی مواجه نبودیم.

این پژوهشگر اقتصاد ادامه داد: بنده البته همچنان تقویت اعتماد را مهم‌ترین وظیفه قوای حکومتی، رسانه‌ها و دانشگاه‌ها می‌دانم. زمانی که مردم به حاکمیت اعتماد داشتند ما نزدیک شاهد چنان از خودگذشتگی‌هایی بودیم که الان هم زمانی که بعضاً بحثش می‌شود، تعجب می‌کنید که چگونه جوانان با چه اعتقاد راسخی، هزینه می‌دادند و این لیلیلی نداشت جز اینکه آنها به مجموعه اعتماد داشته و دید وسیعی نیز در خصوص آینده داشتند. الان متأسفانه وقتی اعتماد کاهش پیدا کرده، امید هم کم‌رنگ شده است. ما به هر قیمتی باید اعتماد و امید را بر برگردانیم، آن وقت است که نه تحریم خارجی آن چنان اثر گذار خواهد بود، نه تهدیدهای منطقه‌ای و نه فشارها اثر زیادی خواهد داشت.

مصطفوی همچنین درباره پیگیری دو نامه چندماه گذشته برخی از اساتید اقتصاد به رییس جمهور گفت: چند نکته در ماجرای نامه‌ها بود که من خیلی خلاصه به آنها می‌پردازم. آن نامه اولی که امضا شد از سوی مقام رهبری هم مورد تمجید و موارد بیست‌گانه که در آن نامه آمده بود، مورد توجه ایشان قرار گرفت. من باید تاسفی را ابراز کنم مبنی بر اینکه وقتی این نامه مورد تأیید مقام معظم رهبری هم قرار گرفت شاید لازم بود یک جمعی از طرف رییس جمهور مامور می‌شدند تا به موارد ذکر شده در آن نامه رسیدگی کنند. اتفاقاً در آن نامه مشکلات را ناشی از مواردی دیده بودیم که به عنوان برخی دخالت‌ها از آن یاد می‌شود و خارج از حوزه اختیارات ریاست جمهوری عمل می‌کنند.

وی ادامه داد: اگر در همان مقطع اراده‌ای بود، با کسب اجازه از مقام معظم رهبری که نامه را تأیید کرده بودند، نه به یک‌باره بلکه با یک برنامه زمان‌بندی، به مسأله رسیدگی می‌شد. برای مثال اعلام می‌کردند در یک برنامه پنج‌ساله هر سال یک درصدی از اقتصاد خارج خواهند شد. جمله‌ای را از داگلاس نورث، برنده جایزه نوبل برای شما نقل می‌کنم که ایشان چند شرط را برمی‌شمرد که اگر اتفاق بیفتند شرط لازم و نه کافی توسعه‌یافتگی است، یعنی اگر اینها نباشد توسعه اتفاق نمی‌افتد. در یکی از این شروط، نورث از تمکین همه مقامات به قانون و خروج نظامیان از حوزه‌های اقتصادی سخن می‌گوید.

وی افزود: می‌توانستیم با استفاده از تأیید مقام معظم رهبری، در یک فرصت شاید تاریخی جلساتی را نزد ایشان برگزار کنیم و می‌گفتیم همان‌طور که تأیید کردید ما این موارد را زمان‌بندی کردیم و به احتمال قوی ایشان هم تأیید می‌فرمودند اما مسأله به ورطه فراموشی سپرده شد و تنها در حد جور سانه‌های محدود متوقف شد و این کم‌کاری هم از سوی عزیزی بود که نامه خطاب به آنها نوشته شده بود.

استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس با اشاره به اهمیت درس آموزشی از اعتراضات دی ماه سال گذشته گفت: در رابطه با اعتراضاتی که در سال گذشته اتفاق افتاد باید بگویم اگر ما تمهیداتی را در داخل کشور و از درون می‌اندیشیدیم ممکن بود که اثر تحریم‌ها خیلی کمتر از آنچه بود، بروز و ظهور پیدا می‌کرد.

سعید حسن مصطفوی منتظری در گفت‌وگو با «توسعه ایرانی» ادامه داد: اینکه می‌بینیم مثلاً در بازار از تلاطمی اتفاق می‌افتد و هر چه قیمت افزایش پیدا می‌کند هجوم به بازار بیشتر می‌شود، این موضوع علامت‌های دیگری غیر از علائم اقتصادی را به ما نشان می‌دهد چون علی‌القاعده نشانه‌های اقتصادی این گونه است که وقتی قیمت بالای رود مشتری کاهش پیدا می‌کند ولی اینجا اتفاق دیگری افتاد و این نشان می‌دهد در این شرایط فقط ساز و کار اقتصادی نیست که عمل می‌کند.

استاد اقتصاد دانشگاه تربیت مدرس با ذکر این موضوع که شاید مهم‌ترین دلیل تلاطم در بازارها این شرایط باشد، گفت: اعتماد کاهش پیدا کرده و به طبع آن مردم دیگر با یکدیگر نیز با رحم و مروت برخورد نمی‌کنند لذا بدون ملاحظه منافع ملی، هجوم به بازار ارز آغاز می‌شود. حال اینکه چرا بی‌اعتمادی به وجود آمده است دلایل زیادی دارد. اعتماد به عنوان محور سرمایه اجتماعی است و مطالعات در کشور مانع نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی بعد از دهه اول انقلاب دچار آسیب‌ها شده است.

وی ادامه داد: از چند مقام در جه اول کشور سؤالی پرسید که اصلی‌ترین مشکل کشور چه چیزی است. خواهید دید محورهای مدنظر آنها با هم هم‌خوانی ندارد و در یک جهت نیست. برای مثال ممکن است یک قوه حرکتی را برای حل مشکلات کشور آغاز کند اما همراهی لازم با آن صورت نگیرد.

مصطفوی با مرور اتفاقات دی ماه سال گذشته گفت: بخشی که آن اعتراضات را سامان داد، به رغم اینکه این اعتراضات می‌تواند دولت را با یک معضل بسیار جدی مواجه کند، با این حال شعارها به سمت و سوی دیگری رفت و از دست خارج شد، لذا سعی در کنترل آن صورت گرفت. اما اگر ادامه اعتراضات با همان هدف اولیه همراه بود چه بسا از آن حمایت می‌شد و تیرت بر برخی روزنامه‌ها نیز علیه یک قوه دیگری قرار می‌گرفت.

عضو هیات علمی دانشگاه در پاسخ به این سؤال که در مجموع چند درصد از علل اتفاقات سال گذشته را می‌توان ناشی از نارضایتی دانست، گفت: این نکته که نارضایتی در کشور قابل توجه است را در نظر سنجی‌هایی می‌توان مشاهده کرد. کافی است شما چند بار از وسایل نقلیه عمومی استفاده کنید تا ببینید تقریباً نارضایتی‌ها در ابعاد مختلف ابراز می‌شود. مسأله‌ای که در همین راستا مزید بر علت شده است فضای مجازی است که متأسفانه وقتی ما یک خبر امیدبخش را در خروجی خبرگزاری‌ها یا سایتی مشاهده می‌کنیم، شاهد چرخیدن یا دست به دست شدن آن نیستیم اما در طرف مقابل اگر خبری امیدبخش نبوده و اعتراض و نقادی حتی غیر منصفانه را در خود داشته باشد، بلافاصله از چند طریق برای شمارسال می‌شود.

وی ادامه داد: اگر کسی بگوید جمهوری اسلامی در این سال‌ها خدمات مفیدی داشته و خدماتی هم ارائه کرده، اصلاً شنیده نمی‌شود. کاهش اعتماد باعث می‌شود خبر مثبت دیده نشود. به همین دلیل است که من وضعیت را آن طوری که در تصویر می‌شود این قدر ناگوار نمی‌دانم. الان اگر برگردیم به برخی شاخص‌های مهم مثل شاخص تغذیه، شاهد هستیم که در ۴۰ سال بعد از انقلاب، وضع تغذیه مردم ایران بهتر شده یا اینکه متوسط قد ایرانی‌ها در سال‌های پس از انقلاب یکی از بهترین‌ها در کشورهای جهان بوده ولی اگر شما این خبر را منتشر کنید در همان مرحله اول بایکوت می‌شوید ولی کافی است بگویید جنایت در کشور بیشتر شده تا بلافاصله خبر پخش شود.

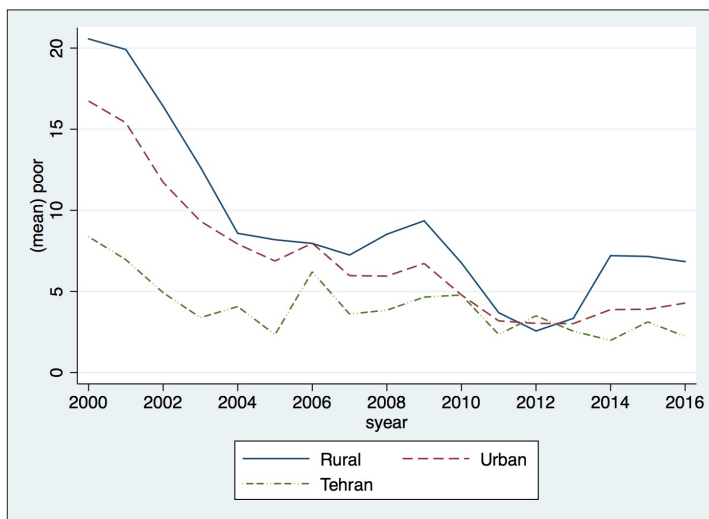
وی افزود: البته قبول دارم الان جمعیت کشور مانسبت به سال ۵۷ نزدیک به دو برابر شده اما زندانیانمان خیلی بیشتر افزایش پیدا کرده است. می‌خواهم بگویم اراده‌ای می‌خواهد که ما منصفانه بگوییم در برخی مسائل اشتباه کرده‌ایم، به بیراهه رفتیم و برگشتیم و در مسائلی هم همچنان در بیراهه هستیم که باید برگردیم، ماقطعاً

# فقر و استانداردهای زندگی در ایران پس از برجام

کشور بالا برده است. سیاست‌های اصلاح‌گرایانه مانند افزایش هزینه‌های انرژی و همزمان اجازه کاهش ارزش نقدینگی و دیگر سیاست‌ها، به نفع تجارت و طبقه متوسطی است که عمدتاً در پایتخت زندگی می‌کنند. این موضوع نیز جالب توجه است که واگرایی در ثروت تهران و دیگر مناطق ایران می‌تواند بیشتر بیانگر تأکید بر نفس نارضایتی‌های اقتصادی در اعتراضات اخیر باشد. برخلاف سال ۲۰۰۹ که تهران در مرکز اعتراضات بود، اعتراضات اخیر اغلب در شهرهای کوچک رخ داد. دوم، این نمودار نشان می‌دهد استاندارد (کیفیت) زندگی در سایر مناطق ایران در سال ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۷ (۱۳۹۵) و پس از آنکه توافق هسته‌ای (تا اندازه‌ای) اجرایی شد، شروع به بهتر شدن کرد. این می‌تواند نشانه تأثیر «برجام» باشد که مثبت بوده و با رشد ۱۱ درصدی تولید ناخالص داخلی اعلام شده توسط مرکز آمار ایران (SCI) در این سال مطابقت دارد.

## بازگشت فقر

نمودار ۲ رشد مداوم نرخ فقر در مناطق شهری را از سال ۲۰۱۲ نشان می‌دهد که با نکته‌ای که درباره جغرافیای اعتراضات بیان کردم، مطابقت دارد. نرخ فقر در مناطق روستایی در سال اول فعالیت روحانی به عنوان رئیس جمهوری افزایش زیادی داشت و همچنان این نرخ بالاست. نشانه‌های کمی درباره اثر مثبت برجام برای مردم فقیری که خارج از تهران زندگی می‌کنند در این نمودار نمایان شده است. واضح است که تأثیر مثبت رشد ۱۱ درصدی تولید ناخالص داخلی برای اقشار کم‌درآمد هنوز در سال ۱۳۹۵، رخ نداده است. با توجه به گزارش مرکز آمار ایران، خبر خوب برجام این است که اقتصاد در شش ماهه ابتدایی سال ۱۳۹۶ (۲۰۱۷ تا ۲۰۱۸) رو به رشد بوده است. اما هنوز نمی‌دانیم تأثیر این رشد اقتصادی به مردم فقیر در شهرهای کوچک رسیده است یا خیر؟



نمودار ۲: نرخ فقر براساس منطقه

این نمودار همچنین تأثیر پرداخت نقدی (یارانه نقدی) دولت احمدی‌نژاد که از سال ۲۰۱۱ و به عنوان بخشی از برنامه اصلاح سیستم یارانه، آغاز شد را بر فقر نشان می‌دهد. اما آیا یارانه نقدی دلیل کاهش فقر پس از سال ۲۰۱۰ بوده است؟ آیا توجیه دیگری برای کاهش فقر وجود دارد، زمانی که با توجه به نمودار ۱، متوسط مخارج واقعی (تعدیل شده نسبت به افزایش قیمت‌ها) در مناطق شهری و روستایی در حال کاهش بوده است؟

نکته دیگری که از این نمودار برداشت می‌شود، نرخ پایین فقر در ایران است: چهار و هفت دهم درصد برای کل ایران در سال ۲۰۱۶-۲۰۱۷. با توجه به این ارقام، نمی‌توانم تصور کنم چگونه این اعتراضات را به نرخ بالای فقر نسبت می‌دهند. این اعتراضات می‌تواند با بیکاری و انتظارهای اقتصادی برآورده نشده مربوط باشد، اما با نرخ بالای فقر ارتباطی ندارد.

با وجود اینکه رشد اقتصادی در اقتصاد نفتی ایران خیلی شامل قشر فقیر نمی‌شود، اما به سود دولت پوپولیست آن بوده است. روحانی به درستی، با دید بلندمدت و همان‌طور که منطق اقتصاد به ما می‌گوید، به جای توزیع مجدد، به رشد اقتصادی باور داشته است اما همین منطق به ما می‌گوید یارانه نقدی خیلی مؤثرتر از یارانه انرژی است. به هر دلیلی، شاید تیم اقتصادی روحانی در مقابل سیاست‌های احمدی‌نژاد (مانند برخورد ترامپ و میراث روسای جمهوری پیشین آمریکا) درباره یارانه نقدی تصمیم درستی نگرفتند. باز بین بردن این برنامه، دولت روحانی یکی از ابزارهای مهم برای اصلاح قیمت انرژی را از دست داده است. مجلس شورای اسلامی مخالفت خود با هر گونه افزایش قیمت انرژی را اعلام کرده است. مجلس اینکه تا چه زمانی قیمت انرژی نباید افزایش پیدا کند را اعلام نکرده است، اما من خیلی به رسیدن قیمت سوخت در ایران به قیمت جدید سوخت در عربستان (حدود ۱۵۰۰۰ ریال برای هر لیتر)، قیمتی که روحانی برای سال آینده در نظر گرفته بود، خوش بین نیستم.

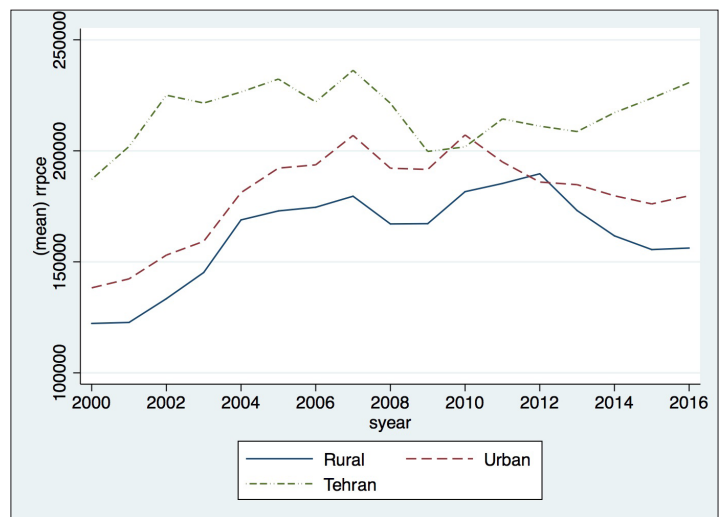
پروفسور جواد صالحی اصفهانی در یادداشتی با عنوان «فقر و استاندارد زندگی در ایران پس از برجام» تأکید دارد که ناآرامی‌های دی ماه سال جاری می‌تواند با بیکاری و انتظارهای اقتصادی برآورده نشده مربوط باشد اما با نرخ بالای فقر در ایران ارتباطی ندارد.

پروفسور جواد صالحی اصفهانی، مدرک فوق لیسانس و دکتری خود را از دانشگاه هاروارد دریافت کرده و در حال حاضر استاد اقتصاد در مؤسسه پلی تکنیک ویرجینیا در آمریکا است. وی سابقه همکاری و تدریس با دانشگاه‌های آکسفورد و پنسیلوانیا را نیز در کارنامه دارد. دکتر صالحی اصفهانی به طور حتم یکی از اقتصاددانان مطرح ایرانی مقیم آمریکا است که مقالات او در نشریه‌های معتبری همچون اکونومیک ژورنال، ژورنال اقتصاد توسعه، توسعه اقتصادی و تغییر فرهنگی، ژورنال نابرابری اقتصادی، ژورنال بین‌المللی مطالعات خاورمیانه و مطالعات ایران منتشر شده است. وی در مقاله ذیل که برای نخستین بار در وبسایت شخصی خود منتشر کرد، با توجه به داده‌های اقتصادی ایران در سال‌های پس از اجرای برجام، به این نتیجه‌گیری رسیده است که ناآرامی‌های دی ماه سال جاری می‌تواند با بیکاری و انتظارهای اقتصادی برآورده نشده مربوط باشد اما با نرخ بالای فقر در ایران ارتباطی ندارد.

بسیاری از ناظران به سرعت اقدام به گمانه‌زنی درباره تظاهرات اخیر در ایران کرده و آن را ناشی از بالا بودن میزان فقر در این کشور عنوان کردند، در حالی که این ناآرامی‌ها بیانگر شکست توافق هسته‌ای ایران یا هدر دادن ثروت ناشی از آن است. «حسن روحانی» رئیس‌جمهور ایران توافق را به کسانی که وی را دو مرتبه به ریاست جمهوری انتخاب کرده‌اند، ارائه کرد چرا که مردم برجام را تنها راهی که می‌تواند زندگی آنها را بهبود بخشد، می‌دانستند. اعتراضات از شهرهای کوچک ایران آغاز شد و نشان داد که باور آنها از وعده‌ها فراتر از وضعیت حال بوده است. همان‌طور که پیشتر نیز نوشته بودم، تردید بسیار کمی نسبت به رشد دوباره اقتصاد ایران پس از برجام وجود دارد، اما آیا فقر و سطح استاندارد زندگی مردم ایران با بازسازی اقتصاد این کشور بهبود پیدا خواهد کرد؟

تنها منبع معتبر برای پاسخ دادن به این موضوع، بررسی هزینه‌ها و درآمدهای خانواده‌ها در ایران است که از سوی مرکز آمار ایران از سال ۱۹۶۰ و به صورت هر ساله ارائه می‌شود. در این گزارش می‌توانید آمارهای ثبت شده از سال ۱۹۴۸ و همچنین آمار مربوط به سال ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷ را ببینید.

گزارش اخیر این مرکز درباره استاندارد زندگی مردم ایران از ابتدای اجرای توافق هسته‌ای ایران یعنی از ژانویه سال ۲۰۱۶ نیز قابل مشاهده است. انتظار می‌رود که اطلاعات جمع‌آوری شده، تأثیرات توافق بر استانداردهای زندگی مردم ایران در این دوره زمانی را قابل مشاهده کند. پیشتر به طور مفصل درباره این موضوع گزارش داده‌ام. آمار ارائه شده مربوط به سال ۲۰۱۷ شامل اطلاعات نظرسنجی‌های انجام شده تا تاریخ ۲۰ مارس سال ۲۰۱۶ میلادی است. در این مقاله برخی از داده‌های آمار جدید را براساس نظرسنجی‌های جدید انجام شده به روزرسانی کرده‌ام. داده‌های خود را با استفاده از ۲ نمودار تنظیم کرده‌ام، یکی از آنها نشان‌دهنده میانگین تغییرات مخارج هر خانوار با استفاده از شاخص قیمت مشتری و مقایسه آن با تفاوت هزینه زندگی در سه بخش است: تهران (شامل ۱۶ درصد از جمعیت ایران)، مناطق شهری (۵۸ درصد از جمعیت ایران) و مناطق روستایی (۲۶ درصد جمعیت ایران). نمودار دوم نیز از اطلاعات مشابه برای محاسبه درصد جمعیت زیر خط فقری است که در این مناطق زندگی می‌کنند.



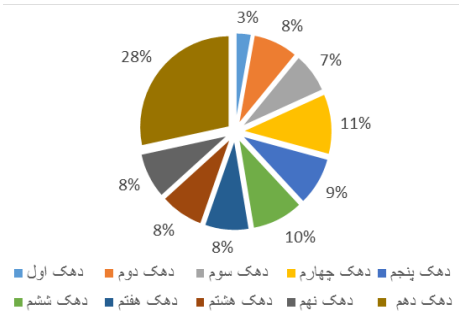
نمودار نخست: سرانه هزینه‌ها براساس منطقه

دو موضوع مهم در اینجا قابل ذکر است. نخستین موضوع واگرایی در استاندارد زندگی (اندازه‌گیری سرانه هزینه‌ها) میان تهران از یک سو و کل کشور از سوی دیگر است. این «تأثیرات روحانی» است که در نتیجه ریاضت اقتصادی، تورم را کاهش داده اما هزینه‌های ایجاد شغل را در

## اهمیت مطالعه دوباره اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶

### برای گذار از بحران

باز توزیع بارانه‌های پنهان اقتصاد ایران است. افزایش نابرابری بی دلیل نیست. هر چند دولت ۱۲۰ هزار میلیارد تومان مالیات دریافت می‌کند، محاسبات جدید نشان می‌دهد که ۶۴۰ هزار میلیارد تومان سالیانه بارانه پنهان دولت برای کالاهایی است که بیشتر نصیب طبقات بالا می‌شود. بارانه پنهان به اختلاف ارزش قیمت جهانی (با شاخص حداقلی قیمت فوب خلیج فارس) و قیمت فروخته شده برای حامل‌های انرژی و اختلاف قیمت بازار با قیمت بارانه‌های ارز است. محاسبات نشان می‌دهد که سهم دهک ثروتمند از این بارانه بیش از ۴ برابر سهم دهک فقیر است. نقدی شدن و باز توزیع این بارانه عظیمی می‌تواند بخشی از قدرت خرید از دست رفته طبقات فرودست را بازگرداند.



#### بیکاری

اقتصاد ایران که به دلیل سیاست‌های اقتصادی غلط به بهانه صنعتی شدن دچار هزینه‌های بیش از اندازه شده است، توان اشتغالزایی با مدل فعلی را ندارد. در مدل فعلی هر شغل بیش از ۲۰ میلیون تومان نیاز به سرمایه گذاری دارد که با محدودیت منابع، حتی فشار بیشتر به شبکه تحریف بانکی نیز نمی‌تواند جوابگوی خیل بیکاران جوان باشد. مشکلات عمده اقتصادی نیز باعث شده است که تسهیلات بیشتر به سوی سفته‌بازی تغییر جهت دهد تا تولید و اشتغال. «صنعتی شدن» ایران نیز تاکنون بهانه‌ای به دست بازیگران سیاسی بوده است که کارخانجات بزرگ در کلان‌شهرهای خود را حتی به قیمت تخریب محیط زیست و غیراقتصادی بودن، مانند ساخت کارخانجات فولاد در اصفهان که آب زاینده رود را آلوده ساخته است، بسازند.

نویسنده این مقاله معتقد است که اصلاح نگاه به اشتغال و دادن فرصت به فعالان بخش خصوصی و به خصوص در بخش خدمات می‌تواند بهترین راهگشا برای اشتغالزایی باشد. امروزه پلت‌فرم‌هایی مانند حمل و نقل اینترنتی و بازارهای مجازی، به مراتب بیشتر و کم‌هزینه‌تر اشتغال ایجاد می‌کنند. فرصت رشد دادن و حمایت از آنها در برابر رقابت سنتی تنها رسالت حاکمیت در قبال این نگاه‌ها است.

#### جمع‌بندی

بررسی اعتراضات دی ماه گذشته نشان از شکاف‌های موجود در شهرهای متوسط و کوچک، با وضع اقتصادی متوسط رو به پایین، و بیکاری جوانان قابل توجه و به خصوص با مشارکت سیاسی کمتر از انتظار است. برای پر کردن این شکاف پیشنهاد می‌شود که اولاً نظام باز توزیع بارانه‌های پنهان به نفع طبقات فرودست ایجاد شود و ثانیاً با توجه به محدودیت اشتغالزایی به شیوه کهنه و ناکارآمد دولتی - صنعتی، نگرش به اشتغالزایی به سوی فرصت‌دهی به اشتغال‌های بخش خدمات و به خصوص اشتغال‌های نوین تغییر یابد.

دخالت‌های داخلی و خارجی در این اعتراضات وجود دارد، اما عموماً این دخالت‌ها از طریق گسل‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی اثرگذار هستند و بنابراین، شناخت این گسل‌ها برای بازسازی مفهوم جامعه به منظور افزایش همبستگی و گذار از بحران ضروری است. اولین نتیجه مطالعات نشان می‌دهد که شهرهای آغازگر اعتراضات خصوصیات متفاوتی از شهرهای ادامه‌دهنده آن داشته‌اند. از نظر نرخ بیکاری، میزان شهرنشینی و مشارکت سیاسی، این شهرها با شهرستان‌های ادامه‌دهنده اعتراضات متفاوت بودند.

عمده شهرستان‌های معترض و همه شهرستان‌هایی که اعتراضات در آنها به خشونت کشیده شد، جمعیتی میان ۱۰۰ تا ۳۰۰ هزار نفر دارند. محدودیت اعتراضات شهرهای بزرگ به چند تجمع و تداوم و شدت اعتراضات در شهرهای متوسط نشان می‌دهد که نوع جدیدی از جبهه سیاسی در حال گشوده شدن است. در ادامه سرخ‌پیشین، مشاهدات نشان می‌دهد که اغلب شهرهای به خشونت کشیده شده و بسیاری از شهرهای معترض، مشارکت چندانی در انتخابات ندارند. در شهرستان‌های به خشونت کشیده شده، مشارکت در انتخابات (غالباً بیش از ۶ واحد درصد) کمتر از میزان انتظاری است. نهادهای نشدن یا عدم اقبال به فرآیند سیاسی انتخاباتی به عنوان مسیر مسالمت‌آمیز انتقال نظرات مردم به حاکمیت در شهرستان‌ها می‌تواند با انباشت ناراضی‌ها زنگ خطری برای سیاست‌گذاران باشد.

بررسی ارتباط شرایط اقتصادی مناطق نیز اهمیت فراوان دارد. برای شروع به میزان بیکاری جوانان نگاه می‌کنیم. بیکاری جوانان به عنوان یکی از عوامل انقلاب‌های عربی برشمرده می‌شود. در این کشورها بیکاری جوانان ۱۵-۲۴ ساله بین ۲۵ تا ۳۵ درصد تخمین زده می‌شود. مطالعه شهرهای معترض نشان می‌دهد که عمدتاً میزان بیکاری مردان جوان ۱۵ تا ۲۹ ساله در این شهرها بیش از ۲۰ درصد (با میانگین تقریبی ۳۵ درصد) بوده است. هر چند بیکاری به تنهایی شاخص عمده‌ای در توضیح شهرهای معترض نیست، اما در کنار اندازه شهرستان (که قدرت تجمع اعتراضات را نشان می‌دهد) احتمالاً می‌تواند مهم باشد.

افزایش نابرابری‌ها نیز به عنوان شاخص مهم در توضیح اعتراضات استفاده شد. گروه تحقیق، تغییرات ضریب جینی را مطالعه کردند. هر چند با تعداد کم استان‌های معترض از منظر آماری نمی‌توان استنتاج دقیقی ارائه کرد اما به نظر می‌رسد افزایش نابرابری در استان طی ۱۰ سال گذشته، با افزایش شدت اعتراضات رابطه مستقیمی داشته است.

این یافته‌ها سرخ‌هایی برای مطالعه گسل خطرناک شهرهای متوسط و غیرمرکزی در معرض بیکاری جوانان و بدون مشارکت سیاسی کافی است. از منظر اقتصادی این شهرها در طبقات اقتصادی متوسط رو به پایین هستند.

#### مدل رشد غیر فراگیر اقتصاد ایران

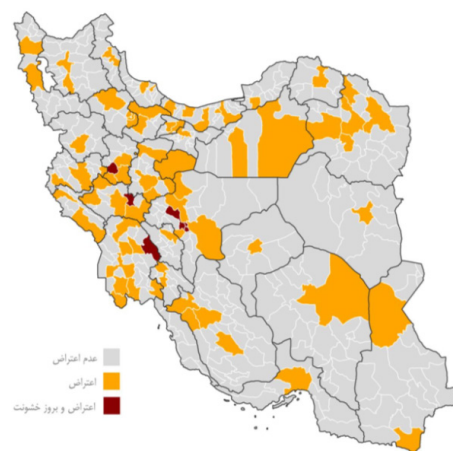
اقتصاد نفت‌زده ایران دهه‌هاست دچار بیماری هلندی است. این بیماری ناشی از مصرف بی‌رویه و رانتی درآمدهای نفتی توسط مرکز نشینان و نخبگان اقتصادی است. در این شرایط کلان‌شهرها که مراکز توسعه قدرت و توزیع رانت هستند، بیشترین سهم از منابع ملی را دارند. نابرابری: مشاهده روند تغییرات قدرت خرید در دهک‌ها نیز نشان می‌دهد که سهم ۱۰ درصد ثروتمند خانوارهای ایرانی از رشد حقیقی خانوارهای ایرانی طی یک دهه ۲۸ درصد است در حالی که سهم دهک فقیر تنها حدود ۳ درصد است. یکی از اصلاحات اساسی که می‌تواند به کاهش نابرابری منجر شود،

بسیاری اعتقاد دارند کشور با چالش‌های بسیاری روبه‌رو شده است که انتخاب‌های سخت را اجباری می‌کند. صدای خیل دردمندان اجتماعی، از خانواده کارگران و طبقه متوسط کارمند کمر خم کرده زیر فشار تورم تا کارآفرینان به صدا درآمده از نابه‌سامانی ادارات، به سوی سیاست‌گذار بلند شده است. از سویی تحریم‌های ایالات متحده نیز برگرده بودجه و درآمدهای ملی و تجارت مافشار می‌آورند.

در این اثنا، انتخاب‌های سختی مانند اصلاحات اقتصادی الزامی می‌نماید اما در جلسات متعدد می‌شنویم که سیاست‌گذار اقبال عمومی نسبت به برخی از این اصلاحات تردید دارد. بازخوانی اعتراضات دی ماه سال ۱۳۹۶ می‌تواند چراغ راهی برای نیازهای واقعی و حامیان حقیقی اصلاحات و شناسایی گسل‌های اجتماعی و اقتصادی ایران امروز روشن کند. یافته‌ها نشان می‌دهد که برخلاف تصور برخی مدیران، ناراضی‌های طبقه فرودست اقتصادی به دلیل کاهش قدرت خرید و بیکاری، به خصوص در شهرهای کوچک و متوسط و نه طبقه متوسط شهری و کلان‌شهرها، تهدید عمده کشور محسوب می‌شود که لزوم اصلاحات اقتصادی و باز توزیع منابع (به خصوص بارانه‌های پنهان) را بیش از پیش می‌نماید. در این مقاله از یافته‌های مطالعات داده‌کاوانه و تحلیل محتوای جناب آقای مهندس پورکاشانی که برای موسسه کار و تامین اجتماعی انجام پذیرفت، استفاده شده است.

#### مرور وقایع

اعتراضات دی ماه ۱۳۹۶ از روز ۷ دی ماه در ۵ شهرستان غالباً شمال شرقی کشور (مشهد، کاشمر، نیشابور، شاهرود و یزد) که رقبای دولت در آنها پایگاه عمده‌ای داشتند، آغاز شد اما هر چند این اعتراضات به زودی در این شهرستان‌ها خاموش شد، به سرعت در ۷۷ شهرستان دیگر گسترش یافت. این اعتراضات دست‌کم تا ۱۰ روز (۱۶ دی ماه ۱۳۹۶) ادامه داشت. نقشه زیر توزیع جغرافیایی این اعتراضات را نشان می‌دهد:



#### بررسی ریشه‌های اعتراضات

از همان آغاز نظریات متعددی درباره ماهیت این اعتراضات عنوان شد. عده‌ای آن را به دلیل ناراضی‌های مردم از عملکرد دولت روحانی دانستند، عده‌ای آنها را کار رقیبان شکست خورده در انتخابات ریاست جمهوری برشمردند و عده‌ای نیز آنها را فتنه دست‌های خارجی عنوان کردند. هر چند شواهدی برای برخی